



پس از ۴۰ روز مقاومت جانانه ایران در میدان‌های نبرد با آمریکا و اسرائیل  
سرنجام دشمن متجاوز تسلیم خواسته‌های بحق جمهوری اسلامی شد و به آتش بس تن داد

# حماسه ملی در چله مقاومت



**با اعلام برقراری آتش بس، در میان بیم و امیدها، خوش بینی‌ها و بدبینی‌هایی درباره این مسئله وجود دارد. نباید از یاد برد که آتش بس بخشی از جنگ است نه صلح**

جنگ در تمام جبهه‌ها از جمله حزب‌الله لبنان، با این حال این تازه آغاز یک ماجراست و قطعاً راه دشوار برای تثبیت و تکمیل این پیروزی مانده است. پیروزی خون بر شمشیر یک سنت الهی است که به برکت خون شهدا تا اینجا کار حاصل شده و ترامپ را در برابر اراده ملت ایران مجبور به عقب‌نشینی کرده است، اما درباره آینده پیش رو توجه به چند نکته قابل توجه است.

**جنگ هنوز تمام نشده است**

با اعلام برقراری آتش بس، در میان بیم و امیدها، خوش بینی‌ها و بدبینی‌هایی درباره این مسئله وجود دارد. نباید از یاد برد که آتش بس بخشی از جنگ است نه صلح. نگاه هرگز مطرح‌شده‌ها برخی شروط ترامپ در پیش نویس مذاکره این گونه بود: تعطیلی تأسیسات طنز، اصفهان و فردو، اعلام تنگه هرمز به عنوان مسیر آزاد دریایی، ممنوعیت غنی سازی در ایران، تحویل مواد غنی شده به آژانس اتمی، نظارت بین‌المللی بر فعالیت هسته‌ای، محدودیت برنامه موشکی و توقف حمایت از هم‌پیمانان منطقه‌ای. اما در نهایت وی به آغاز گفت‌وگوهای صلح بر اساس شروط ده‌گانه ایران که شامل این موارد هست موافقت کرد. تعهد به عدم تجاوز / ادامه کنترل تنگه هرمز / پذیرش غنی‌سازی اورانیوم / لغو تحریم‌های اولیه و ثانویه / تعهد ایران مبنی بر عدم ساخت سلاح هسته‌ای / لغو قطعنامه‌های شورای امنیت / لغو قطعنامه‌های شورای حکام / پرداخت غرامت / خروج نیروهای آمریکا از منطقه / توقف

شود، نیروهای مسلح قدرتمند ما نیز حملات دفاعی خود را متوقف می‌کنند. ۲. به مدت دو هفته تردد امن در تنگه هرمز در هماهنگی با نیروهای مسلح ایران و با نظرداشت محدودیت‌های فنی موجود مقدر خواهد بود. طبق گزارش‌ها برخی شروط ترامپ در پیش نویس مذاکره این گونه بود: تعطیلی تأسیسات طنز، اصفهان و فردو، اعلام تنگه هرمز به عنوان مسیر آزاد دریایی، ممنوعیت غنی سازی در ایران، تحویل مواد غنی شده به آژانس اتمی، نظارت بین‌المللی بر فعالیت هسته‌ای، محدودیت برنامه موشکی و توقف حمایت از هم‌پیمانان منطقه‌ای. اما در نهایت وی به آغاز گفت‌وگوهای صلح بر اساس شروط ده‌گانه ایران که شامل این موارد هست موافقت کرد. تعهد به عدم تجاوز / ادامه کنترل تنگه هرمز / پذیرش غنی‌سازی اورانیوم / لغو تحریم‌های اولیه و ثانویه / تعهد ایران مبنی بر عدم ساخت سلاح هسته‌ای / لغو قطعنامه‌های شورای امنیت / لغو قطعنامه‌های شورای حکام / پرداخت غرامت / خروج نیروهای آمریکا از منطقه / توقف

**هدایت جاوید** | در حالی که ثانیه‌شمارها به ۳:۳۰ بامداد چهارشنبه، ساعت صفر اعلامی ترامپ برای حمله به تأسیسات زیرساختی ایران و آن‌گونه که او ادعا می‌کرد «مرگ کامل یک تمدن»؛ نزدیک می‌شد، چرخش ناگهانی رئیس‌جمهور آمریکا روی میز گذاشتن آتش بس دوهفته‌ای آن هم بر اساس پیشنهاد و اصول ده‌گانه مد نظر جمهوری اسلامی، از آن دست اتفاقاتی بود که از سوی دوست و دشمن، شکست کامل واشنگتن در میدان منازعه با تهران تعبیر شد. بخل گرفتن صلح در میانه ضربات مداومی که آمریکا متحدانش در میدان نبرد از کشورمان دریافت می‌کرد، پس از آن بود که «شهباز شریف» نخست‌وزیر پاکستان به عنوان میانجی مذاکرات غیرمستقیم، با پیشنهادی دقیقه‌نودی در توییتهای پیاپی اینکه تلاش‌های دیپلماتیک برای حل و فصل مسالمت‌آمیز جنگ جاری در خاورمیانه به طور پیوسته، قوی و قدرتمند در حال پیشرفت است از رئیس‌جمهور آمریکا خواست مهلت تعیین شده پیشین برای دو هفته دیگر تمدید شود، موضوعی که با استقبال دونالد مواجه شد.

در ادامه سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان در نخستین واکنش به این اتفاق با قدردانی از تلاش‌های پاکستان برای خاتمه جنگ در منطقه با انتشار متنی درباره این گام نوشت: ۱. چنانچه حملات به جمهوری اسلامی ایران متوقف



یادداشت  
مجتبی خاتونی

## «آتش بس»؛ آغاز یک پایان

هنوز هیچ قطعیتی در کار نیست! آتشی که به وسیله دشمنان این مردم افروخته شده، به سختی می‌تواند با یک بیبانه یا حتی یک توافق چندجانبه، خاموش شود. ما مردم، این را بهتر از هر کس دیگری می‌دانیم و دلیل، تجربه زیسته‌ای است که در سفره‌های آب رفته خود، امنیت خدشه‌دار شده و خون‌های جاری شده بر این خاک مقدس پدست آورده‌ام!

حالا ما بیشتر از پیش می‌دانیم که این دشمن، چرا جمهوری اسلامی ایران را نمی‌خواهد. حالا می‌دانیم که او جمهور را نمی‌خواهد؛ اسلام را نمی‌خواهد؛ پیش‌تر گمان بر این بود که ایران را ویران می‌خواهد، در هم شکسته و

تصمیم‌سازان اعتماد داشته‌وبه آینده امید بست.

**نه به وضعیت نه جنگ نه صلح**

تجربه جنگ ۱۲ روزه و ایجاد وضعیت نه جنگ نه صلح پس از آن، این حقیقت را اثبات می‌کند که تا امنیت درازمدت تأمین نشده نباید به توافقی تن داد، واقعیت این است که ما با دست بالا ضرباتی را به دشمن زدیم ولی دوباره به برزخ نه جنگ نه صلح وارد شده‌ایم، وضعیت می‌بلاتکلیفی و خطر حمله دوباره در آن هست، دشمن خرابکاری‌هایی می‌کند، اقتصاد در وضعیت نااطمینانی قرار می‌گیرد و خطر تکرار کودتای ۱۸ و ۱۹ دی دوباره وجود دارد. پس جنگ هنوز تمام نشده است و نباید در حالت جنگی خارج شد و مهم‌تر اینکه نباید به وضعیت نه جنگ نه صلح رسید و مطمئناً با نظر به شروط از پیش تعیین شده ولی امر مسلمین و تنها در صورت تحقق عملی آن‌ها، جنگ فعلی با پیروزی پایان خواهد یافت. باید مواظب بود که اسیر روایت‌سازی‌ها نشویم.

**شکل‌دهی ترتیبات جدید امنیتی**

مطمئناً منطقه و جهان دیگر به پیش از جنگ ۴۰ روزه بازخواهد گشت، بنابراین تهران باید متناسب با شرایط جدید در ابتکارات امنیتی خود ترتیب اثر بدهد. در این مسیر در کنار وضع ترتیبات جدید برای رفت و آمدها در تنگه هرمز، شکل‌گیری ترتیبات جدید امنیتی جمعی در منطقه بسیار مهم است. از سویی در شرایطی که اعتبار آمریکا در جهان به تاراج رفته، تهران با هدف حل ریشه تنش‌های منطقه و قطع بازگیری مخرب نیروهای خارجی باید به ایجاد پیمان‌های امنیتی دو جانبه با همسایگان روی آورده و این‌گونه آینده منطقه را با مشارکت جمعی رقم‌بزند.

**وحدت و انسجام ملی**

مذاکرات با بی‌اعتمادی کامل به طرف آمریکایی آغاز خواهد شد، اما همزمان ضرورت دارد در این مدت وحدت کامل ملی حفظ شده و جشن‌های پیروزی با قدرت تداوم داشته باشد. مذاکرات کنونی یک مذاکره ملی و ادامه میدان است و ضرورت دارد همه مردم، نخبگان و گروه‌های سیاسی به این فرایند که زیر نظر رهبر معظم انقلاب و عالی‌ترین سطوح نظام است اعتماد داشته و از آن حمایت به عمل بیاورند و به شدت از هر گونه اظهار نظر تفرقه‌افکنانه اجتناب کنند. هر جنگی باید روزی پایان پذیرد، راهبرد خروج از جنگ در زمره مهم‌ترین فازهای هر نبرد است. پس اگر قرار است جنگ کنونی هم پایان پذیرد، مهم این است که کدام طرف چارچوب نحوه پایان آن را ترسیم می‌کند. بنابراین اگر تسلیم دشمن در میدان تبدیل به دستاورد قاطع سیاسی در مذاکرات شد با هم این پیروزی عظیم تاریخی را جشن خواهیم گرفت و گر نه در میدان دوشادوش هم تارسیین به همه خواسته‌های ملت ایران خواهیم جنگید. دست‌های ما روی ماشه است و به محض آنکه کوچک‌ترین خطایی از دشمن سر بزند با قدرت کامل به آن پاسخ داده خواهد شد.

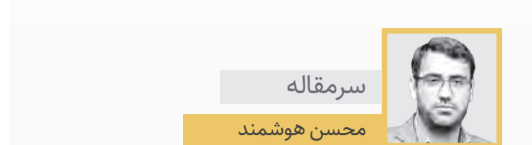
داغدار میناب، به انتقام خون فرماندهان و رهبران جبهه حق؛ آنچنان زیر گوش این قلدر مست لایعقل و سگ هارش خوابانده‌ایم که صدایش در جهان پیچیده! بله ما آسیب دیده‌ایم، زخم خورده‌ایم و داغداریم اما مقتدر؛ ما در خیابان‌های شهر به یگانگی رسیدیم؛ آرزو کردیم که آن خواهر عزیزتر از جانمان که حجاب نداشت را فردا با حجاب ببینیم اما سر تعظیم جلو غیرت و شرفش فرود آوردیم و خاک پایش را توتیای چشم کردیم. حالا ما حتی بیش از پیش یک ملتیم؛ و این «آغازی» است بر یک «پایان»؛ پایان پروژه استعماری و شیطانی که جمهوری اسلامی ایران را نمی‌خواست و پیش‌نیاز آن، جدایی مردم بود؛ تحریم، محاصره، شیخون فرهنگی، سیاه‌نمایی، نفوذ و ناکارآمدی، همه چیز مهیا به نظر می‌رسید جز آنچه که باید؛ همان «اراده الهی»؛ اراده‌ای که این بار نیز مردم ایران و آزادگان جهان در طول آن گام برداشته و خدایی که تصریح کرده بود: «و نرید آن نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین».

غرق است که نمی‌داند «خامنه‌ای» حذف‌شدنی نیست و نظام سیاسی که او رهبری کرده با فقدان او داغ می‌بیند اما زوال نه؟! گویی آن همه اندیشکده پر زرق و برق، آن ژئوپلیتیسین‌های پر ادا و آن جامعه‌شناسان مسلح به داده‌های کلان؛ در تمام این سال‌ها مشغول بلعیدن فاند‌های نجومی بوده و از درک این واقعیت ابتدایی ناتوان که ایران، برای ما «مادر» است و ما برای مادرمان «جان» می‌دهیم!

بیش از ۱۴ میلیون نفر، تنها در چند روز، از نویسنده کمترین این سطور تا شخص «رئیس‌جمهور»، تنها گوشه‌ای از جانفدایان جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند و همین حالا، در چشم برهم زدن آماده تغییر مختصات صحنه نبرد از این «توقف آتش»، به ادامه یک جنگ منطقه‌ای و فراتر از آن هستند.

ما مردم جمهوری اسلامی ایران، به نمایندگی از تمام آزادگان جهان، به نیابت از همه مستضعفان و مظلومان تاریخ معاصر؛ به یاد قربانیان آن جزیره شیطانی، به خاطر دل شکسته کودکان مظلوم غزه، به تسلی دل مادران

ضعیف؛ حالا اطمینان بر این است که اصولاً چیزی به نام ایران نمی‌خواهد؛ که از دید او، زیادی بزرگ است، خیلی شلوغ است. خواست از شلوغی آن بکاهد، نخستین موشک را به «شجره طیبه» شلیک کرد؛ برای اطمینان از حصول هدف، دومین موشک را هم با چند دقیقه اختلاف به همان جا! سلاح فرستاد که مزدوران بی‌مقدارشان، از وسعت آن بکاهد و بعدتر شاک می‌شد که آنچنان برای «ارباب» ننجنگیده‌اند آن لکه‌های کوچک سیاه بر دامن پاک زانگرس! قصد جان اسلام کرد و ماه را از انتهای خیابان «کشوردوست» به آسمان فرستاد، اما چراغی شد در این ظلمات که نمی‌دانست «اللّهُ ممّّّ...». بی‌تعارف بگویم و خودمانی؛ هر چه زد به در بسته خورد حتی همان جا که گمان می‌رفت به هدف زده! به راستی چه می‌شود که یک نظام فکری که مدعی است هر آنچه در این جهان هست، بر محور همین کالبد است و مادی؛ از محاسبه تبعات حمله به یک مدرسه ابتدایی در روز نخست و باختن افکار عمومی در سراسر گیتی بازمی‌ماند؟! چگونه آنچنان در خطاهای محاسباتی خود



سرمقاله  
محسن هوشمند

## ۱۰+۵ دلیل برای پیروزی قطعی ایران و یک هشدار مهم

دشمن آمده بود برای نابودی جمهوری اسلامی، تجزیه ایران، تصاحب منابع نفتی و به تعبیر دقیق رهبر شهیدمان، «بلعیدن ایران». در میانه جنگ، لفاظی‌هایی نظیر نابودی تمدن و زیرساخت‌های ایران هم مطرح شد، اما در نهایت دشمنان ما به هیچ‌کدام از خواسته‌هایشان نرسیدند و مجبور به پذیرش آتش بس دوهفته‌ای و مذاکره بر اساس طرح دهم‌ماده‌ای ایران شدند. حالا پیروزی میدانی باید به پیروزی حقوقی و دیپلماتیک تبدیل شود تا مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی را تثبیت کند و بر این مینا گام پیش رو در ادامه نبرد میدانی، نبرد مهم حقوقی و دیپلماتیک است.

**۱۰ دلیل پیروزی قطعی ایران**

۱- شکست کامل دشمن در تحقق اهداف اصلی: دشمن از نخستین ساعات جنگ، نابودی جمهوری اسلامی، حذف توان موشکی و هسته‌ای، تجزیه ایران و تصاحب نفت ما را به عنوان اهداف خود اعلام کرد، اما پس از ۳۹ روز جنگ تمام‌عیار، هیچ‌یک از این اهداف محقق نشد.

۲- ناکامی در اهداف ثانویه و تاکتیکی: دشمن در میانه جنگ مجبور شد اهدافی مانند بازکردن کامل تنگه هرمز، نابودی گسترده زیرساخت‌های حیاتی ایران و اجرای عملیات زمینی برای سرقت اورانیوم از تأسیسات هسته‌ای اصفهان را دنبال کند، اما همه این نقشه‌ها هم نقش بر آب شد.

۳- تثبیت تسلط ایران بر تنگه هرمز: تنگه هرمز نه‌تنه باز نشد، بلکه ایران کنترل کامل عملیاتی خود را بر آن تثبیت کرد. اکنون عبور هر کشتی فقط با هماهنگی نیروهای مسلح ایران و رعایت «محدودیت‌های فنی» امکان‌پذیر است. این مهم‌ترین مؤلفه قدرت راهبردی ایران در این جنگ است و مهم‌ترین تضمین اجرای هر توافق آینده نیز خواهد بود.

۴- تثبیت توان هسته‌ای و پذیرش حق غنی‌سازی: در طرح دهم‌ماده‌ای ایران، حق غنی‌سازی به‌صراحت توسط دشمن پذیرفته شده است. ۵- رفع کامل تحریم‌ها در افق نزدیک: با قدرتی که در این جنگ ایجاد شد، ایران توانست موضوع رفع کامل تحریم‌های اولیه، ثانویه، خاتمه قحط‌نامه‌های شورای امنیت و شورای حکام را به‌طور رسمی روی میز بگذارد.

۶- تثبیت قدرت جبهه مقاومت با وحدت بی‌نظیر میادین: همه ارکان جبهه مقاومت پای کار آمدند. در بیانیه دهم‌ماده‌ای ایران، «توقف جنگ در همه جبهه‌ها از جمله علیه مقاومت اسلامی قهرمان لبنان» گنجانده شد. این جنگ، اصل وحدت ساحات و ائتاق مشترک عملیات جبهه مقاومت را برابری همیشه رقم زد.

۷- جلب حمایت جهانی و تغییر گسترده تصویر ایران: آزادی خواهان و مسلمانان جهان در حمایت از ایران به خیابان‌ها آمدند و شبکه‌های اجتماعی به عرصه اظهار ارادت مردم دنیا به جمهوری اسلامی و مردم ایران تبدیل شد.

۸- ضربات کوبنده به دشمن در عملیات‌های «وعده صادق»: در بیش از ۱۰ موج عملیات «وعده صادق ۴» و همچنین عملیات‌های مؤثر پهپادی ارتش غیور، استراتژی «چشم‌درچشم» ایران با موفقیت کامل اجرا شد.

۹- نمایش قدرت بی‌نظیر پدافند هوایی: پدافند هوایی ایران در این جنگ حماسی‌ترین نقش را داشت و بیش از ۲۰۰ هواگرد دشمن از جمله جنگنده‌های پیشرفته، بالگردهای تهاجمی، هواپیماهای سوخت‌رسان و ترابری را منهدم کرد. ۱۰- نابودی هیمنه پوشالی قدرت آمریکا: با این جنگ و حضور بی‌نظیر مردم، هیمنه قدرت آمریکا که پس از جنگ سرد سال‌ها بر جهان سایه انداخته بود، برای همیشه نابود شد.

**پنج دلیل اثبات شکست قطعی آمریکا و اسرائیل**

۱- اذعان‌های متعدد در داخل آمریکا و اسرائیل: تنها ما نیستیم که می‌گوییم ایران پیروز شده است؛ شخصیت‌های سیاسی، نظامی، رسانه‌ای، تحلیلگران غربی و حتی هم‌حزبی‌های ترامپ و رسانه‌های صهیونیست نیز بارها به آن اذعان کرده‌اند.

۲- شکست در جلب همراهی ناتو و متحدان: ترامپ با تهدید و چانه‌زنی از همه خواست در این جنگ همراهی کنند، اما حتی کشورهای اروپایی و آسیایی و نیز ناتو حاضر به ورود به این باتلاق نشدند.

۳- شکست در ایجاد جنگ داخلی و ناامنی: ترامپ آشکارا گفت «گروه‌های مخالف به‌ویژه کردها را مسلح کرده‌ایم»، اما آن‌ها نتوانستند هیچ ناامنی پایدار ایجاد کنند و در همان مراحل اولیه متلاشی شدند.

۴- ناتوانی در نابودی توان موشکی و هسته‌ای: با وجود بمباران‌های سنگین و شبانه‌روزی، نه یک سایت موشکی منهدم شد و نه تأسیسات هسته‌ای آسیب دید: توان موشکی و هسته‌ای ما بیش از گذشته باقی مانده است و توسعه خواهد یافت.

۵- شکست مفتضحانه عملیات زمینی و سرقت اورانیوم: اقتضای جنگ در عملیات نفوذ به تأسیسات هسته‌ای اصفهان رقم خورد.

**یک هشدار مهم**

دو هفته پیش رو تداوم جنگ در میدان، تثبیت‌کننده پیروزی ما و تضمین‌کننده اقتدار ما به‌عنوان ابرقدرت جدید جهانی است. دیپلمات‌ها و سیاستمداران ما هیچ اعتمادی به آمریکا و ترامپ ندارند و بدون تضمین قطعی و احقاق حقوق مسلم ملت ایران، از مذاکرات خارج نمی‌شوند. همچنین نیروهای مسلح ما همچنان دست روی ماشه دارند و هر تحرک دشمن را فوری و قاطع پاسخ خواهند داد. در ۳۹ روز گذشته، با اتکا به انسجام اجتماعی و وحدت ملی بی‌نظیر ایرانیان دشمن زمین‌گیر شد و امروز هم باید با همان روحیه و انسجام، حضور میدانی ما تداوم پیدا کند و دست سربازان عرصه دیپلماسی برای احقاق حقوق ملت ما، در یافت غرامت و فتح قله پر شود. هر مدیایی که این روزها القای ناامیدی، شکست و وحدت‌شکنی را ترویج کند، خواسته یا ناخواسته در خدمت دشمن است.

روزشمار جنگ | روز چهارم

## چرا ترامپ ترمز کشید و نتانیا‌هو به لبنان گریخت؟



ایران شکست خورده است. واشنگتن ترجیح داد پیش از آنکه تنگه هرمز رسماً مسدود شود، ماشه را از روی شقیقه اقتصاد جهانی بردارد.

**صورتحساب خونین در لبنان**

اما توقف درگیری مستقیم با ایران، برای کابینه بحران‌زده اسرائیل معادل یک زهر کشنده بود. تل آویو که زیرساخت‌هایش آسیب دیده و یازدارندگی‌اش در برابر تهران فروریزخته است، نیاز به یک «تصویر پیروزی» داشت تا به شهرک‌نشینان خشمگین خود ارائه دهد.

خونین در پنتاگون است و نتوانسته بحران اقتصادی و نارضایتی عمومی را درمان کند، زیر فشار سنگین لابی‌های اقتصادی و شریکان اروپایی‌اش قرار گرفت. نیویورک تایمز به درستی اشاره می‌کند که وقتی جنگ به فاز «تخریب لجستیک و انرژی» رسید، ترامپ متوجه شد هر موشک اضافه‌ای که به سمت ایران شلیک شود، مستقیماً بهای بنزین در تگزاس و شانس پیروزی‌اش در انتخابات‌های می‌سوزاند.

آتش‌بس امروز، پذیرش عملی این واقعیت بود که راهبرد «فشار حداکثری نظامی»، در برابر تاب‌آوری ساختاری

چهلمین روز جنگ، با یک غافلگیری بزرگ و یک تراژدی هولناک همراه بود. ماشین جنگی ویرانگری که تا دیروز شریان‌ها و پا‌های پل‌های ایران را بمباران می‌کرد و رئیس‌جمهور آمریکا را به هذیان‌گویی درباره «نابودی تمدنی» واداشته بود، ناگهان در برابر ایران متوقف شد. اما این ترمز اضطراری واشنگتن، صلح به ارمغان نیاورد. رژیم صهیونیستی که ظاهر آن رویارویی مستقیم با تهران منع شده و در باتلاق زیرساخت‌های ویران‌شده‌اش گرفتار شده است، تمام سرخوردگی استراتژیک خود را بر سر غیرنظامیان بی‌دفاع لبنانی آوار کرد. چهلمین روز جنگ، روزی بود که غرب برای نجات اقتصاد و آبروی از دست‌رفته‌اش در کویر ایران، با تل آویو بر سر حمام خون در بیروت معامله کرد.

**کالبدشکافی یک آتش بس شتاب‌زده**

جنگ‌ها هرگز بی‌دلیل متوقف نمی‌شوند. توقف ناگهانی تبادل آتش میان ایران و ائتلاف غربی - عبری، تنها محصول یک پیروزی دیپلماتیک نبود؛ بلکه بیشتر محصول وحشت واشنگتن از لبه‌پرتگاه بود.

گزارش‌های تحلیلی واشنگتن پست و اکسیوس در ۲۴ ساعت گذشته، پشت پرده این آتش بس دراماتیک را عیان می‌کنند. کاخ سفید که هنوز درگیر تصفیه‌های

روایت کاخ سفید از پیروزی با اعلام آتش بس، خلاف آن چیزی است که تحلیلگران غربی از فرار ترامپ از ضرب الاجل پرهزینه اش روایت می کنند

# ترامپ عقب نشست، ایران قوی تر شد



**فاطمی نژاد** در حالی که دونالد ترامپ، ضرب الاجلی تا بامداد ۸ آوریل تعیین کرد مبنی بر آنکه تهران باید به آنچه آمریکایی ها می گویند تن بدهد وگرنه «تمامی تمدن» ایران نابود خواهد شد، در ساعات پایانی این مهلت اما، آنچه رخ داد نه پایان تمدن ایران که فرار از یک ضرب الاجل پرهزینه برای کاخ سفید بود. رئیس جمهور آمریکا که وعده «جنگ کوتاه برای نابودی یک تمدن کامل» را داده بود، ناآهان عقب نشست و البته اسلام آباد را برای حفظ وجهه خود جلو انداخت. این نکته که ترامپ پاکستان را تحت فشار قرار داد تا برای برقراری آتش بس موقت با ایران میانجی گری کند را فایننشال تایمز افشا کرد. شهباز شریف، نخست وزیر پاکستان ساعاتی پیش از اتمام مهلت، در درخواستی فوری از ترامپ خواست دو هفته فرصت بدهد تا «دیپلماسی مسیر خود را طی کند». ترامپ این درخواست را پذیرفت، اما نکته این بود که اسلام آباد و تهران تأیید کردند فرصت دو هفته ای آتش بس برای مذاکرات مبتنی بر طرحی ۱۰ ماده ای بود که ایران ارائه کرده بود. طبیعی است که ترامپ بلافاصله در قامت انسان رسانه ظاهر شده و روایتش از ماجرا را آن طور که می خواهد روایت کند، ولی مرور آنچه تحلیلگران غربی در رسانه های غربی و عبری داشته اند دقیقاً عکس آنچه رئیس جمهور آمریکا درصدد بر ساخت آن است را نشان می دهد.

## عصیانیت اشغالگران از ناکامی در سه هدف نتانیاهو از جنگ

شاید بتوان نقض گسترده آتش بس توسط اسرائیلی ها با

حمله به لبنان را واکنش به همان چیزی تفسیر کرد که این رسانه ها از فرامتن این آتش بس انعکاس دادند. به عنوان مثال خوانش رسانه های عبری از آتش بس دو هفته ای نشان می دهد واکنش هادرون اسرائیل ملو از ناامیدی و انتقاد شدید، هم نسبت به رهبری سیاسی و هم نسبت به استراتژی نظامی اشغالگران است؛ ضمن اینکه حرف و حدیث ها در خصوص شکست های میدانی و سیاسی و عدم دستیابی به اهداف اعلام شده جنگ به شدت برقرار است.

رسانه «اسرائیل تودی» نیز با نقل سخنان یک دیپلمات خلیج نشین به اسوشیتد پرسی از نگرانی مشترک اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس این گونه پرده برداشت: نگرانی در میان کشورهای عربی وجود دارد که ایران بتواند از این جنگ قوی تر بیرون بیاید.

اموس هارل، تحلیلگر نظامی «هاآرتص» نیز نوشت: «با شروع حمله در ۲۸ فوریه، دفتر بنیامین نتانیاهو سه هدف اصلی این کارزار را برای روزنامه نگاران تشریح کرد: سرنوشت رژیم ایران، از بین بردن برنامه هسته ای و از بین بردن تهدید موشک های بالستیک. تاکنون هیچ یک از آن ها محقق نشده است. رژیم ایران هنوز پابرجاست، راه حلی برای آن ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده پیدا نشده و برنامه موشکی هنوز در حال اجراء است.» نکته مهم دیگری که این تحلیلگر روی آن دست گذاشت، «آسیب دیدن جایگاه اسرائیل در آمریکا به اتهام کشاندن ترامپ به جنگی غیر ضروری» است.

در همین زمینه، یائیر لاپید چهره سیاسی سرشناس و رهبر مخالفان نیز از اینکه اسرائیل هیچ نقشی در تصمیم های

مربوط به امنیت ملی خود ندارد، اظهار تأسف کرد. او گفت: «ما هرگز در تاریخ خود شاهد چنین فاجعه سیاسی نبوده ایم. ارتش آنچه را که لازم بود انجام داد، اما نتانیاهو از نظر سیاسی و استراتژیک شکست خورد و به هیچ یک از اهداف خود نرسید.» به گفته لاپید، «سال ها طول خواهد کشید تا خسارت های ناشی از تکبر، سهل انگاری و فقدان برنامه ریزی استراتژیک نتانیاهو جبران شود.»

## ایران از نظر استراتژیک قوی تر از قبل است

در فضای رسانه ای در آمریکا و اروپا نیز تفسیر از این آتش بس، تفاوت چندانی با سرزمین های اشغالی نداشت. «ند پرایس» سخنگوی سابق وزارت خارجه آمریکا ساعاتی پس از اعلام آتش بس نوشت: «ظاهر جنگ در حالی رو به پایان است که ایران کنترل تنگه هرمز را در دست گرفته و از آن عوارض می گیرد و تحریم های ایالات متحده بر نفت ایران نیز لغو شده است. اگر این وضعیت به «هنجار جدید» تبدیل شود، ما مقادیر عظیمی از خون، ثروت و اعتبار خود را هزینه کرده ایم تا در نهایت ایران را در جنبه های کلیدی از نظر استراتژیک قوی تر از قبل رها کنیم.»

بی بی سی در گزارشی توافق آتش بس برای ترامپ را به منزله یک «راه فرار» موقت توصیف کرد که او را از دام ضرب الاجلش که باید میان تشدید جنگ یا عقب نشینی انتخاب می کرد، فراری داد. بیان اینکه «حتی اگر ایران تنگه هرمز را به طور کامل باز کند... نتوانایی آن در کنترل این گلوگاه ژئوپلیتیکی کلیدی اکنون بیش از هر زمان دیگری آشکار است» توسط این رسانه را

می توان به منزله اعتراف به شکست راهبردی آمریکا در جنگ ترجمه کرد. نکته کلیدی دیگری که در گزارش بی بی سی به آن اشاره شده این است که «کشوری که زمانی خود را نیرویی برای ثبات در سراسر جهان معرفی می کرد، اکنون پایه های نظم بین المللی را می لرزاند» که این حرف به این معناست که حتی اگر آتش بس منجر به صلح شود، اعتماد جهانی به آمریکا به دلیل تهدید های غیر قابل قبول ترامپ به طور بنیادین آسیب دیده است.

گاردین نیز در گزارشی، نتانیاهو را «بزرگ ترین بازنده» این جنگ خواند و نوشت: «پس از سال ها تهدید های بنیامین نتانیاهو علیه ایران، نمایش های او در مجمع عمومی سازمان ملل، پرونده های مشکوکی که بی وقفه زیر بینی رسانه های جهان تکانه می شد و فشار دیپلماتیک بر رؤسای جمهور متوالی آمریکا برای موافقت با جنگ علیه ایران، درگیری اسرائیل در نهایت با شکست مواجه شده است. ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا که پیش بینی های اسرائیل درباره تغییر رژیم و انقلاب در ایران را «مسخره» خوانده بود، درست از آب درآمد. ارزیابی اسرائیل مبنی بر اینکه جنگ حداکثر چند روز و در بدترین حالت چند هفته طول خواهد کشید، به طرز فجیعی اشتباه از آب درآمد. حتی دو روز پیش، به گزارش کانال ۱۲ اسرائیل، نتانیاهو از دونالد ترامپ خواسته بود با آتش بس موافقت نکند. برای یک روز، رئیس جمهور آمریکا هشدار های نسل کشانه خود را به تهران صادر کرد و سپس تسلیم شد و به روایتی اسرائیل را در تصمیم گیری های خود کنار گذاشت.»

## رصد

نقض آتش بس های رژیم صهیونی در تهران و لبنان، مذاکرات اسلام آباد را با تردید مواجه کرده است

## بدون لبنان هرگز

شرایطی، اگر یکی از اضلاع مقاومت در میدان تنه امانند، احتمال تشدید فشارها و عملیات های گسترده علیه آن جبهه افزایش می یابد. از این منظر، موضوع تنها یک مسئله سیاسی یا رسانه ای نیست، بلکه به یک معادله راهبردی مربوط می شود. راهبردی «وحدت ساحات» دقیقاً برای جلوگیری از چنین وضعیتی طراحی شده است؛ وضعیتی که در آن دشمن می کوشد با تفکیک میدان ها و جدا کردن جبهه ها از یکدیگر، فشار نظامی خود را بر یکی از آن ها متمرکز کند.

در چنین شرایطی، طبیعی است که این پرسش در فضای تحلیل منطقه ای مطرح شود که اگر حزب الله در مقاطع مختلف در حمایت از دیگر جبهه ها وارد میدان شده و هزینه پرداخته است، آیا اکنون می توان پذیرفت که لبنان از معادله کنار گذاشته شود و حملات علیه آن ادامه یابد؟

پاسخ به این پرسش در واقع آزمونی برای میزان پایدنی به راهبرد وحدت ساحات است. اگر این

اسلامی لبنان. با این حال، همزمان با اعلام آتش بس موقت، نخست وزیر رژیم صهیونیستی آشکارا اعلام کرد لبنان و حزب الله مشمول این آتش بس نیستند و حملات علیه آن جبهه ادامه خواهد یافت. این موضع در عمل به معنای شکل گیری نوعی «آتش بس گزینشی» است، وضعیتی که در آن یک جبهه از درگیری خارج می شود اما جبهه ای دیگر همچنان در معرض حملات باقی می ماند.

تحوالات میدانی نیز نشان داد این موضوع فقط یک موضع رسانه ای نبود. بعد از ظهر دیروز رژیم صهیونیستی حمله ای گسترده علیه لبنان انجام داد که بنا بر گزارش رسانه های صهیونیستی با مشارکت بیش از ۱۰۰ جنگنده صورت گرفت و از آن به عنوان بزرگ ترین حمله پس از ماجرای «جنگ پیجره» یاد شده است.

تجربه های گذشته نشان می دهد در بسیاری از موارد، دشمن تلاش می کند از دوره های توقف یا کاهش درگیری برای تمرکز بر یک جبهه خاص استفاده کند. در چنین

## سایه روشن میانجی گری پاکستان

میان تهران و واشنگتن

یادداشت

میراحمد رضا مشرف



«با کمال تواضع، خوشحالم اعلام کنم که ایران و آمریکا به همراه متحدانشان، با آتش بس فوری در همه جبهه ها از جمله لبنان موافقت کرده اند». این بخشی از پیام شهباز شریف، نخست وزیر پاکستان در شبکه ایکس است که از توافق بزرگ میان تهران و واشنگتن بر سر یک آتش بس فوری با میانجی گری اسلام آباد خبر می دهد. از سوی دیگر ترامپ نیز اعلام کرد به درخواست شهباز شریف، نخست وزیر و ژنرال عاصم منیر، رئیس ارتش پاکستان، با تعویق حمله برنامه ریزی شده به ایران به مدت دو هفته توافق کرده است. در کنار این ها، جمهوری اسلامی ایران هم مراتب قدردانی خود از میانجی گری و نقش پاکستان در برقراری آتش بس موقت را اعلام می کند.

با این حال و با وجود فضای بسیار امیدوارکننده، ایفای این نقش میانجیگرانه از جانب پاکستان با سایه روشن هایی برای این کشور توأم شده است؛ در وهله نخست این تحرکات دیپلماتیک پاکستان و به قولی «دیپلماسی بی صدای» اسلام آباد میان واشنگتن و تهران می تواند بر موقعیت و جایگاه منطقه ای و بین المللی این کشور تأثیری بسزا داشته باشد. اینکه پاکستان پس از مدت ها میزبان حل یک بحران بین المللی شده، آن هم در شرایطی که خود در تنش شدید با همسایگانی همچون هند و افغانستان به سر می برد، می تواند دستاورد و پیروزی بزرگ دیپلماتیک تلقی شود. دقیقاً بر همین اساس است که اپوزیسیون دولت مودی در هند، انفعال این کشور در این قضیه را به شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را نشانه ضعف دیپلماسی دهلی نو در برابر اسلام آباد دانسته اند.

از سوی دیگر موفقیت پاکستان در برقراری توازن ارتباط و همکاری همزمان با پکن و واشنگتن را نیز باید از دیگر نکات درخور تأمل این نقش آفرینی بین المللی تلقی کرد. رایزنی مداوم اسلام آباد با پکن و اعلام حمایت چین از تلاش ها و طرح میانجیگرانه پاکستان و اذعان واشنگتن بر نقش مثبت پکن در این معادلات، خود گویای موفقیت اسلام آباد در حفظ چنین توازن ظریفی است.

اما از وجهی دیگر، به نظر می رسد این میانجی گری پس از همه می تواند به خود اسلام آباد برای خروج از دشواری های چند جانبه ناشی از این بحران کمک کند.

در این راستا، این طرح پیش و بیش از همه می تواند به پاکستان برای خروج از تنگنای روابط میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی کمک کند. با توجه به پیمان امنیتی ریاض و اسلام آباد و وابستگی پاکستان به کمک های مالی عربستان از یک سو و روابط پایدار ایران و پاکستان و به خصوص ادعای خسارت چند میلیارد دلاری تهران از اسلام آباد در قضیه خط لوله صلح از سوی دیگر، بالا رفتن سطوح تقابل و تنش میان تهران و ریاض می تواند اسلام آباد را در معرض هزینه های سنگین و حتی انتخاب های دشوار قرار دهد.

علاوه بر این، ایفای نقش میانجی می تواند به بهبود موقعیت و اعتبار دولت و ارتش پاکستان در میان مردم کمک کند. با توجه به حساسیت افکار عمومی پاکستان به قضیه فلسطین و همچنین حمایت آن ها از ایران در برابر تهاجم آمریکا و رژیم صهیونیستی، نقش آفرینی اخیر اسلام آباد می تواند در رفع پارادوکس میان مردم پاکستان و دولت و ارتش این کشور نقشی مهم ایفا کند.

اما با وجود همه نکات روشن ذکر شده، این میانجی گری می تواند با نکات مبهم و در واقع با نقاط تاریکی نیز مواجه شود. شخصیت غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اعتماد ترامپ، وابستگی تصمیم های واشنگتن به تل آویو، نبود توجه کافی به نقش رژیم صهیونیستی در ایجاد این بحران و در نهایت عهد شکنی رژیم صهیونیستی، همگی بخشی از این نقاط تاریک هستند.

اختلاف نظر بر سر لبنان نخستین جلوه این موضوع است که با تأکید نخست وزیر پاکستان بر فراگیری آتش بس به لبنان و عدم پذیرش آن از سوی تل آویو همراه شده است. در هر حال به نظر می رسد دولت اسلام آباد حیثیت و اعتبار خود را بر سر این توافق به گرو گذاشته است، آن هم در شرایطی که به عنوان میانجی نمی تواند بر فرایند اعتماد بخشی و تضمین نهایی توافقها کنترل چندانی داشته باشد.

## تا چابیت سرد میشه ، آگهی تو سفارش بده

همین قدر راحت و سریع

پذیرش آگهی غیر حضوری در روزنامه قدس

۰۵۱-۳۷۵۸۸

## آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول

تعاونی مسکن کارکنان دفاتر اسناد رسمی قم

بدینوسیله از کلیه سهامداران تعاونی مسکن کارکنان دفاتر اسناد رسمی قم دعوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول که راس ساعت ۱۳ روز سه شنبه ۱۴/۰۵/۱۴ در محل دفتر تعاونی به آدرس ۴۵متری صدوق، کوچه ۷، پلاک ۲۵۵، طبقه زیرزمین تشکیل میگردد حضور به هم رسانند.

### دستور جلسه:

- ۱- تمدید مدت فعالیت هیات تصفیه ۲- تعیین و نحوه ی به روزرسانی بدهی های پایان کار و سند واحدها که در گزارش کارشناس رسمی تعیین شده است. ۳- تعیین مبلغ نقل و انتقال واحدها جهت دریافت سند. کلیه سهامداران می بایست جهت اخذ تاییدیه سهامدار بودن و یا معرفی وکیل برای افرادی که قادر به حضور در جلسه نیستند حداکثر ظرف مدت یک هفته از انتشار آگهی به دفتر تعاونی مراجعه نمایند.

رئیس هیات در حال تصفیه - بهادر بهرامی

برگ سبز وانت دوکابین کاپر مدل ۱۳۹۰ شماره پلاک ایران ۸۳۷۰۶۶ شماره موتور SKB2177 شماره شاسی ۰۷۲۲۷۰۲۳۲۸۰۷۲۲۷ NAGPUPF شماره شاسی به نام علی جاودان مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز ، کارت سواری پراید صبا جی .تی.ایکس مدل ۱۳۸۲ شماره پلاک ایران ۳۲۷۰۴۲ شماره موتور ۰۴۷۵۶۱۱ شماره شاسی ۰۷۲۲۷۰۲۳۲۸۰۷۲۲۷ SIF۱۳۲۸۹۳۴۶۷۷ به نام فهیمه داصودی مفقود شده و فاقد اعتبار است.

سفارش آگهی خیلی آسان و راحت  
۳۷۵۸۸  
سازمان آگهی های روزنامه قدس

تا چابیت سرد میشه ، آگهی تو سفارش بده  
همین قدر راحت و سریع  
پذیرش آگهی غیر حضوری در روزنامه قدس  
۰۵۱-۳۷۵۸۸

برگ سبز وانت دوکابین کاپر مدل ۱۳۹۰ شماره پلاک ایران ۸۳۷۰۶۶ شماره موتور SKB2177 شماره شاسی ۰۷۲۲۷۰۲۳۲۸۰۷۲۲۷ NAGPUPF شماره شاسی به نام علی جاودان مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز ، کارت سواری پراید صبا جی .تی.ایکس مدل ۱۳۸۲ شماره پلاک ایران ۳۲۷۰۴۲ شماره موتور ۰۴۷۵۶۱۱ شماره شاسی ۰۷۲۲۷۰۲۳۲۸۰۷۲۲۷ SIF1328934677 به نام فهیمه داصودی مفقود شده و فاقد اعتبار است.

سفارش آگهی خیلی آسان و راحت  
۳۷۵۸۸  
سازمان آگهی های روزنامه قدس

وقتی زیرساخت‌ها هدف می‌شوند، بخش خصوصی چگونه زنجیره تولید را حفظ می‌کند؟

# میدان‌داری بخش خصوصی در حمایت از سفره مردم

در سه مقطع زمانی پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران بررسی کرد که هر یک نیازمند رویکردها و ابزارهای متفاوتی است.

وی درباره مرحله پیش از بحران توضیح داد: در این مرحله اقداماتی نظیر طراحی ساختار حکمرانی منعطف، تنوع‌بخشی به بازارها و منابع تأمین، ایجاد ذخایر نقدینگی، تدوین سناریوهای محتمل، مستندسازی فرایندها و تهیه برنامه تداوم کسب‌وکار اهمیت دارد.

او درخصوص مرحله حین بحران افزود: در زمان وقوع بحران، تمرکز اصلی بنگاه‌ها بر حفظ جریان نقدی و استمرار فعالیت است. تصمیم‌گیری سریع، بازتنظیم هزینه‌ها، مدیریت نقدینگی و برقراری ارتباط شفاف با ذی‌نفعان از الزامات این مرحله به شمار می‌رود.

به‌نژاد درباره مرحله پس از بحران نیز تصریح کرد: در این مقطع، بازاندیشی در مدل کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری در فناوری و آموزش نیروی انسانی و همچنین شناسایی نقاط ضعف و تقویت مزیت‌های رقابتی، نقش مهمی را در بازگشت بنگاه‌ها به مسیر رشد ایفا می‌کند.

## چالش‌های بنگاه‌های اقتصادی در شرایط بحران

وی در ادامه به مهم‌ترین چالش‌های بنگاه‌های اقتصادی در بزنگاه بحران‌ها اشاره کرد و گفت: وابستگی به تعداد معدودی تأمین‌کننده، فرایندهای سنتی و کاغذی، وابستگی زنجیره تأمین به واردات، کمبود نیروی انسانی چندمهارته، نبود تجهیزات جایگزین و فقدان سیستم‌های هشدار زودهنگام از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی است که می‌تواند توان بنگاه‌ها را در شرایط بحرانی تضعیف کند. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به دلیل محدودیت منابع و شکنندگی زنجیره‌های تأمین، بیش از سایر بخش‌ها در معرض آسیب قرار دارند. از این رو، تقویت مدیریت ریسک، توسعه سرمایه انسانی چندمهارته، دسترسی به اطلاعات و شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی، از الزامات اساسی برای افزایش تاب‌آوری این بنگاه‌ها محسوب می‌شود.

## کلید بقا در بحران: انعطاف‌پذیری و چابکی

به‌نژاد در ادامه با تأکید بر اهمیت انعطاف‌پذیری در شرایط پیچیده و ناپایدار گفت: انعطاف به معنای توانایی تغییر مسیر سریع، بازطراحی زنجیره تأمین، یافتن بازارهای جایگزین و بازتعریف مدل کسب‌وکار است. کسب‌وکارهایی که بتوانند در زمان کوتاه مسیرهای جدید را طراحی کنند، نه تنها آسیب کمتری می‌بینند بلکه امکان تبدیل بحران به فرصت برای آن‌ها فراهم می‌شود.

وی با اشاره به برخی تجربه‌های بین‌المللی افزود: بررسی نمونه‌هایی از کشورهای که با شرایط جنگی یا بحران‌های شدید اقتصادی مواجه بوده‌اند نشان می‌دهد بازگشت بنگاه‌ها به چرخه تولید، تا حد زیادی به توان آن‌ها در بازتنظیم مدل کسب‌وکار، تنوع‌بخشی به بازارها و ایجاد مسیرهای جایگزین وابسته است.

این کارشناس اقتصادی با تأکید بر اهمیت برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت در شرایط عدم قطعیت خاطرنشان کرد: برنامه‌ریزی‌های ۶ تا ۱۲ ماهه به بنگاه‌ها کمک می‌کند تا مسیرهای جایگزین را طراحی و منابع و فرایندها را سریع‌تر بازتنظیم کنند و در مواجهه با شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر، تصمیم‌هایی علمی و هدفمند بگیرند. چنین رویکردی یکی از پایه‌های شکل‌گیری کسب‌وکارهای مقاوم و پایدار در اقتصادهای پریسک به شمار می‌رود.



باز یابی در مواجهه با بحران‌هاست. بر همین اساس، جوامعی که از ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توانمندتری برخوردارند، قادرند شوک‌های ناشی از بحران‌ها را بهتر مدیریت کرده و سریع‌تر به مسیر ثبات بازگردند.

این کارشناس اقتصادی در ادامه با اشاره به جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد گفت: با توجه به نقش محوری بخش خصوصی در تولید، اشتغال و پویایی اقتصاد، نادیده گرفتن این بخش در نظام مدیریت بحران می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد را افزایش دهد.

وی با بیان اینکه جوهره تاب‌آوری بنگاه‌ها در مفهوم انعطاف‌پذیری خلاصه می‌شود، توضیح داد: انعطاف به معنای توانایی تغییر مسیر در کوتاه‌ترین زمان، بازطراحی زنجیره تأمین، یافتن بازارهای جایگزین و حتی بازتعریف مدل کسب‌وکار در شرایط ناپایدار است. بنگاه‌هایی که از چنین قابلیتی برخوردار باشند، نه تنها شدت آسیب بحران را کاهش می‌دهند، بلکه در برخی موارد می‌توانند از دل شرایط دشوار فرصت‌های جدیدی را نیز ایجاد کنند.

## ۳ ستون اصلی تاب‌آوری بنگاه‌ها

به‌نژاد در ادامه با تبیین ابعاد ساختاری تاب‌آوری بنگاه‌ها اظهار کرد: تاب‌آوری کسب‌وکارها را می‌توان در سه سطح مورد بررسی قرار داد: نخست تاب‌آوری در نظام تصمیم‌سازی و حکمرانی شرکت، دوم تاب‌آوری جمعی در کل زنجیره ارزش و سوم تاب‌آوری در ساختار و اجزای سازمان.

وی با اشاره به برخی مطالعات بین‌المللی افزود: گزارش‌های بانک جهانی نشان می‌دهد در مناطق درگیر جنگ، بیش از ۴۰ درصد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در پنج سال نخست از بین می‌روند؛ با این حال، حدود ۲۰ درصد از این بنگاه‌ها نه تنها به فعالیت خود ادامه می‌دهند، بلکه در دوره پس از بحران نیز رشد قابل توجهی را تجربه می‌کنند.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به اینکه تاب‌آوری بنگاه‌ها فرایندی مرحله‌ای است، اظهار کرد: این مفهوم را می‌توان

افزود: تمرکز واحدهای فعال در صنایع غذایی و زنجیره تأمین کالاهای اساسی، در کنار وجود شهرک‌های صنعتی، انبارها و سردخانه‌های بخش خصوصی، این منطقه را به یکی از مراکز مهم تولید و توزیع کالا در شرق کشور تبدیل کرده است.

سبزواری همچنین با اشاره به زیرساخت‌های حمل‌ونقل این منطقه گفت: وجود شبکه ریلی، فرودگاه‌های فعال، گمرکات مرزی و بازارچه‌های تجاری با کشورهای همسایه، امکان جابه‌جایی کالا میان مناطق مرکزی کشور و بازارهای آسیای میانه و افغانستان را فراهم کرده است. از این منظر، در صورت بروز اختلال در برخی مسیرهای تجاری، ظرفیت‌های شرق کشور می‌تواند به‌عنوان مسیر مکمل در حفظ جریان تجارت و تأمین کالا مورد استفاده قرار گیرد.

## ضرورت تشکیل ستاد بحران بخش خصوصی

وی با تأکید بر اینکه تشکیل ستاد بحران بخش خصوصی مبتنی بر الگویی مشخص، نه یک انتخاب بلکه یک الزام راهبردی برای حفظ امنیت اقتصادی منطقه و پشتیبانی از سایر استان‌ها در شرایط بحران‌های ملی، به‌ویژه جنگ، محسوب می‌شود، توضیح داد: ستاد بحران بخش خصوصی می‌تواند به‌عنوان حلقه اتصال میان ساختارهای رسمی مدیریت بحران و بدنه واقعی اقتصاد شامل تولیدکنندگان، انبارداران، توزیع‌کنندگان، فعالان حمل‌ونقل و تجار عمل کرده و ظرفیت‌های نهفته این بخش را در خدمت تاب‌آوری ملی فعال کند.

## تاب‌آوری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط

سعیده به‌نژاد، کارشناس مرکز مطالعات و بررسی‌های اقتصادی نیز با اشاره به اینکه تاب‌آوری به‌طور کلی به ظرفیت یک سیستم برای مواجهه با رویدادهای مخاطره‌آمیز و کاهش آثار منفی آن‌ها اشاره دارد و هرچه این ظرفیت بالاتر باشد، امکان مدیریت مؤثرتر بحران‌ها فراهم‌تر خواهد بود، اظهار کرد: ظرفیت هر سیستم، تعیین‌کننده میزان توانایی آن در مقاومت، سازگاری و

به ضرورتی حیاتی برای استمرار فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی جامعه تبدیل شده است.

## نقش بخش خصوصی در مدیریت بحران اقتصادی

مدیر مرکز مطالعات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی با تأکید بر تجربه‌های جهانی در مدیریت بحران اظهار کرد: تجربه جهانی نشان می‌دهد در مواجهه با بحران‌های پیچیده و چندبُعدی، اتکالی صرف به ظرفیت‌های دولتی کافی نیست و حتی در برخی موارد به دلیل تمرکزگرایی و کندگی در فرایند تصمیم‌گیری، اثربخشی پاسخ‌ها کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، بخش خصوصی و نهادهای نماینده آن، به‌ویژه اتاق‌های بازرگانی، در ایجاد هماهنگی و هدایت ظرفیت‌های اقتصادی نقشی کلیدی خواهند داشت.

وی ادامه داد: با توجه به آنکه بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های تولید، ذخیره‌سازی، توزیع و تجارت در اختیار فعالان اقتصادی است، ایجاد سازوکاری منسجم برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در شرایط بحران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود.

سبزواری در ادامه با اشاره به اهمیت ظرفیت‌های منطقه‌ای در تقویت تاب‌آوری اقتصادی کشور خاطرنشان کرد: در مدیریت بحران‌های ملی، شبکه‌ای از توانمندی‌های استانی می‌تواند نقش پشتیبان زنجیره تأمین و توزیع را ایفا کند. برخی مناطق کشور به دلیل موقعیت جغرافیایی، تمرکز فعالیت‌های تولیدی و برخورداری از زیرساخت‌های حمل‌ونقلی، در مقاطع بحرانی ظرفیت بیشتری برای پشتیبانی از جریان تولید و تجارت دارند.

وی در این زمینه با اشاره به ظرفیت‌های شرق کشور گفت: به‌عنوان نمونه، خراسان رضوی به دلیل هم‌مرزی با افغانستان و ترکمنستان و برخورداری از زیرساخت‌های تجاری و حمل‌ونقلی، یکی از نقاط مهم مبادلات منطقه‌ای به شمار می‌رود. در شرایطی که برخی مناطق کشور ممکن است با محدودیت‌های بیشتری مواجه شوند، ظرفیت‌های تولیدی و لجستیکی شرق کشور می‌تواند در پشتیبانی از جریان تأمین کالا نقش مؤثری را ایفا کند.

**امیرحسین یوسف‌زاده** | جنگ‌های معاصر دیگر تنها در میدان‌های نظامی تعیین تکلیف نمی‌شوند؛ اقتصاد و زیرساخت‌های حیاتی کشورها نیز به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های تقابل هدف قرار می‌گیرند. در جنگ تحمیلی اخیر نیز دشمن پس از ناکامی در مواجهه نظامی، تمرکز خود را بر آسیب‌زدن به زیرساخت‌های حیاتی همچون انرژی، آب و شبکه‌های پشتیبان اقتصاد معطوف کرد تا جریان تولید، تجارت و معیشت جامعه را با اختلال روبه‌رو کند.

در چنین شرایطی، تاب‌آوری اقتصادی به یکی از مؤلفه‌های کلیدی مدیریت جنگ تبدیل می‌شود. اقتصاد ایران که در دهه‌های گذشته با چالش‌های ساختاری و ناترازی‌های مختلف روبه‌رو بوده، اکنون بیش از هر زمان دیگری نیازمند تقویت ظرفیت مقاومت و سازگاری در برابر شوک‌های بیرونی است. در این میان، بخش خصوصی به‌عنوان موتور تولید، توزیع و تجارت کشور نقشی تعیین‌کننده در حفظ پایداری اقتصاد و تداوم تأمین نیازهای جامعه ایفا می‌کند.

با توجه به اهمیت این موضوع، در این گزارش تلاش شده است ابعاد راهبردی تاب‌آوری اقتصادی در شرایط جنگی و نقش بخش خصوصی در حفظ جریان تولید و تجارت بررسی شود. در همین زمینه گفت‌وگویی با دو پژوهشگر اقتصادی و کارشناس مرکز مطالعات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی انجام شده و الزامات تاب‌آوری بنگاه‌های اقتصادی، مدیریت ریسک و چالش‌های کسب‌وکارها در شرایط بحران را بررسی کرده‌ایم.

## جنگ؛ آزمونی برای تاب‌آوری بخش خصوصی

سمیرا سبزواری، پژوهشگر اقتصادی با اشاره به ماهیت پیچیده بحران‌های تهدیدکننده اقتصاد و بخش خصوصی در جهان امروز اظهار کرد: در جهان معاصر، بحران‌ها به‌عنوان پدیده‌هایی چندلایه، پیچیده و غالباً پیش‌بینی‌ناپذیر، به یکی از مؤلفه‌های ثابت محیط‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شده‌اند. این بحران‌ها، با منشاهای طبیعی، اقتصادی، سیاسی نظامی، در صورت نبود مدیریت به‌موقع و مؤثر، آثار گسترده و زنجیره‌ای بر ساختارهای تولیدی، معیشت خانوارها و پایداری نظام اقتصادی برجای می‌گذارند.

وی با اشاره به پیامدهای اقتصادی جنگ‌ها افزود: منازعات صرفاً به میدان‌های نظامی محدود نمی‌شوند، بلکه آثار عمیقی بر زیرساخت‌ها، زنجیره‌های تأمین و فعالیت‌های اقتصادی کشورها دارند. در چنین شرایطی، میزان تاب‌آوری اقتصاد و توان بخش خصوصی برای تداوم فعالیت به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است؛ از پایداری زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی گرفته تا انعطاف‌پذیری بنگاه‌ها، دسترسی به منابع مالی، کارآمدی نظام حکمرانی اقتصادی و انسجام شبکه‌های تأمین و توزیع.

وی تأکید کرد: هرچه این مؤلفه‌ها هماهنگ‌تر و آماده‌تر باشند، اقتصاد می‌تواند شوک‌های ناشی از بحران‌هایی نظیر جنگ را با هزینه کمتری مدیریت کرده و مسیر بازگشت به ثبات را سریع‌تر طی کند.

سبزواری با اشاره به شرایط اقتصاد ایران تصریح کرد: اقتصاد کشور در دهه‌های اخیر هم‌زمان با مجموعه‌ای از چالش‌ها از جمله تورم مزمن، تحریم‌های بین‌المللی، نوسان‌های اقتصادی و در مقاطعی تنش‌های نظامی مواجه بوده و در کنار آن، بحران‌های طبیعی نظیر زلزله، سیل و خشکسالی را نیز تجربه کرده است. در چنین بستری، تاب‌آوری اقتصادی دیگر فقط یک مفهوم نظری نیست، بلکه

## تحلیل

واکنش بازارهای جهانی به آتش‌بس چه بود؟

## تضعیف دلار و تقویت ارزهای دیگر



تجارت جهانی دست‌کم برای دو هفته به‌صورت ایمن انجام خواهد شد. این خبر برای بازار انرژی اهمیت زیادی دارد، زیرا بخش قابل توجهی از نفت جهان از این تنگه عبور می‌کند. اطمینان از ادامه جریان عرضه نفت، نگرانی‌ها درباره کمبود انرژی را کاهش داده و به

تا یک درصد تجربه می‌کنند. در همین حال یکی از عواملی که به آرام‌تر شدن بازارهای جهانی کمک کرده، تضمین عبور امن کشتی‌ها از تنگه هرمز است. ایران اعلام کرده بر اساس توافق آتش‌بس، عبور کشتی‌ها از این مسیر حیاتی برای

**اقتصاد** | ارزش دلار آمریکا پس از اعلام آتش‌بس میان ایران و ایالات متحده در بازارهای جهانی کاهش یافت. کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی و افت قیمت نفت موجب شد تقاضا برای دلار، که در دوران بحران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های امن شناخته می‌شود، کاهش پیدا کند و در نتیجه این تحول، شاخص سنجش دلار بلومبرگ نزدیک به یک درصد افت کرد و به پایین‌ترین سطح خود در چهار هفته اخیر رسید.

کاهش ارزش دلار تنها به فضای روانی بازار محدود نبود. با انتشار خبر آتش‌بس، بازدهی اوراق خزانه‌داری آمریکا نیز کاهش یافت؛ عاملی که معمولاً حمایت از دلار را تضعیف می‌کند. هم‌زمان سرمایه‌گذاران که در هفته‌های گذشته برای محافظت از سرمایه خود به دلار پناه برده بودند، به سمت دارایی‌ها و ارزهای پریسک‌تر حرکت کردند.

بر اساس گزارش بلومبرگ، دلار اکنون بیش از نیمی از رشد خود را که از زمان آغاز درگیری‌ها بدست آورده بود، از دست داده است. در میان ارزهای جهانی، بیشترین افزایش ارزش در برابر دلار مربوط به ارزی بود که به‌طور معمول نسبت به ریسک‌های بازار حساس‌تر هستند. به‌عنوان مثال ژند آفریقای جنوبی و کرون سوئد هر کدام حدود ۲ درصد در برابر دلار تقویت شدند.

کارشناسان بازار ارز نیز معتقدند این واکنش تا حد زیادی طبیعی است. کریس ترنر، رئیس راهبردی ارزی بانک «آی‌ان‌جی»، می‌گوید: بازگشت حدود ۵۰ درصدی ارزها پس از کاهش تنش‌ها هدفی منطقی برای بازار محسوب می‌شود. به گفته او، ارزهای کالا محور و ارزهای اقتصادی نظیر دلار، معمولاً نوسان بیشتری دارند، می‌توانند در چنین شرایطی حتی تا حدود ۲۰ درصد در یک روز تقویت شوند، در حالی که ارزهای کم‌نوسان‌تر معمولاً رشد ملایم‌تری را در محدوده نیم

**جواد نوائیان رودسری** | در قسمت پیشین این نوشتار که روز ۱۷ فروردین منتشر شد، اشاره کردیم که خوارج به‌عنوان یک جریان، چگون‌ه با وجود سرکوبی میدانی به بقای خود در جامعه اسلامی ادامه دادند و چه تأثیری بر وقایع پس از خود، تا دوران معاصر گذاشتند. پرسش مهم دیگری که باید در مورد خوارج مطرح و در حد امکان پاسخ داده شود، به چرایی و چگونگی شکل گرفتن آن‌ها مربوط می‌شود. اینکه چه بستر فکری و اجتماعی سبب شکل گرفتن چنین جریانی در بطن جامعه اسلامی شد، پرسشی راهبردی است که باید با عنایت به شواهد تاریخی در صدد پاسخ‌گویی به آن برآمد. در نوشتار پیش رو کوشیده‌ایم با تکیه بر گزاره‌های تاریخی وواکاوی شخصیت برخی از سران این جریان در دوره متقدم، به زوایایی کمتر دیده شده از چرایی شکل‌گیری خوارج ورود کرده و در نهایت، مصادیق عینی‌تر آن را در ادوار تاریخی بعد و به ویژه در دوره معاصر جست‌وجو کنیم.

■ **زاهدانی با شمشیرهای خون‌ریز**

برای درک پدیده خوارج، پیش از هر چیز باید رهبران و چهره‌های شاخص آن‌ها را شناخت. متون تاریخی تصویری پارادوکسیکال از این افراد ارائه می‌دهند؛ مردانی که پیشانی‌هایشان از کثرت سجده پینه بسته بود؛ اما دست‌هایشان به خون بی‌گناهان آغشته شد. چنان‌که ابوحنیفه دینوری در کتاب «اخبار الطوال» به تفصیل بیان می‌کند، رهبر اصلی خوارج در جنگ نه‌روان «عبدالله بن وهب راسبی» بود. او به دلیل عبادت‌های طولانی و سجده‌های بسیار، به «ذوالثفتان» (صاحب پینه‌ها) شهرت داشت. قبیله بنی‌راسب که ابن‌وهب به آن‌ها منسوب بود، اصالتاً از قبایل یمنی بودند که پس از گسترش فتوحات اسلامی به عراق و به ویژه بصره هجرت کردند. آن‌ها با وجود بر زبان آوردن شهادتین، فرصت آموختن مبانی دینی را نیافتند. عبدالله در متون تاریخی و روایی، در زمره «تابعین» طبقه‌بندی شده و ظاهراً هیچ‌گاه فرصت دیدار با رسول خدا(ص) را پیدا نکرد. وی برای تندرها شخصیت کاریزما تیک محسوب می‌شد؛ در فن خطابه مهارت داشت و می‌توانست با استفاده از آیات قرآن و تطبیح آن‌ها، احساسات مذهبی و بدوی اطرافیان‌ش را تحریک کند. ویژگی بارز راسبی، جزم‌اندیشی مطلق او بود. او هیچ فضایی برای دیپلماسی، مصلحت‌اندیشی یا تفسیرهای متفاوت از دین قائل نمی‌شد و این‌ها ناشی از برداشت‌های شخصی او از متون دینی و فهمش نسبت به اصول عقاید اسلام بود. چهره مهم دیگر، «حرقوص بن زهیر» ملقب به «ذوالثدیبه» است. محمد بن جریر طبری در تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری) او را یکی از خشن‌ترین و در عین حال متعصب‌ترین افراد این جریان معرفی می‌کند. «حرقوص» نماد کامل فردی بود که‌ظاهر دین را بر روح آن ترجیح می‌داد. او پیشینه حضور در جنگ‌های فتوحات را داشت و از نظر نظامی باتجربه بود؛ اما از نظر فکری در پایین‌ترین سطح تحلیل قرار داشت. مرگ او در جنگ نه‌روان به‌عنوان نشانه‌ای از حقانیت سپاه‌مقابل در متون تاریخی ثبت شده‌است. نقش جسمانی وی ظاهراً بر خشونت و نوع نگاه‌وی به جامعه تأثیری مستقیم نداشته‌است. «مسعر بن فدکی» تمیمی نیز از دیگر سردمداران این جریان بود. «ابن‌اثیر» در «الکامل فی‌التاریخ» نشان می‌دهد چگونه مسعر با روحیه‌ای کاملاً قبیله‌ای و جنگ‌طلبانه، هرگونه گفت‌وگو را رد می‌کرد. او کسی بود که حتی به فرستادگان صلح نیز رحم نمی‌کرد و منطق او تنها شمشیر بود.

■ **دیالوگ‌های درون گروهی: از «وحشت‌گناه» تا «عطش خون»**

برای درک عمیق‌تر طرز فکر خوارج باید به خلوت‌ها و شب‌نشینی‌های مخفیانه اعضای این فرقه هم نگاه

### برگی از تاریخ

**رودسری** | جمال عبدالناصر با وجود تمام شایعاتی که اطراف او وجود داشته و دارد، یکی از مشهورترین و تأثیرگذارترین رهبران جهان عرب بود. او به عنوان یک نظامی، زمانی زمام امور مصر را در دست گرفت که این کشور به تازگی از زیر یوغ استعمار خارج شده و رژیم سلطنتی در آن سقوط کرده بود. ناصر خیلی زود توانست با استفاده از جوّ ناشی از گسترش اندیشه‌های چپ‌گرایانه که در آن دوران، طرفداران فراوانی در جهان سوم پیدا کرده بود و همچنین با بهره گرفتن از هوش و توانایی‌های ذاتی‌اش، رهبری جریان ضد استعماری و ضد صهیونیستی سرزمین‌های عربی را به‌دست گیرد و در خط مقدم مقابله با رژیم اشغالگر قدس، عرض اندام کند. دکترین ناصر که بعدها به ناصرسیسم شهرت یافت، مبتنی بر استقلال سرزمین‌های عربی بود و هر نوع تسلط استعمارگران بر این مناطق را نفی و این کشورها را به اتفاق بیشتر برای پیشبرد اهداف مشترک تشویق می‌کرد. رویکرد ناصر، مخالفانی جدی در منطقه داشت؛ سعودی‌ها از رفتار او سخت بیمناک بودند و حتی محمدضیا پهلوی، نفوذ ناصرسیسم در منطقه را برای خودنوعی تهدید به‌شمار می‌آورد؛ دکترین ناصر، مبتنی بر ساقط کردن همه دولت‌های دست‌نشانده و از میان برداشتن رژیم‌های سلطنتی بود.

■ **ناصر، فراری از سازش**

جمال عبدالناصر در خط مقدم نبرد فیزیکی با صهیونیست‌ها نیز قرار داشت. اوزیر بار تشکیل دولت غاصب صهیونیستی نمی‌فت و حتی از به‌زبان آوردن کلمه «اسرائیل» خودداری می‌کرد. صهیونیست‌ها او را دشمن درجه یک خود می‌دانستند. ناصر سعی می‌کرد اتحادیه‌ای قوی میان کشورهای عربی برای مقابله با رژیم صهیونیستی ایجاد کند و حتی گام‌های برای اتحاد سیاسی با سوریه نیز برداشت که در نهایت به جایی نرسید. نیروهای نظامی مصر در جنگ ۶ روزه سال ۱۹۶۷ نیز زاره به جایی نبرند و حتی صحرای سینا به اشغال نظامیان صهیونیست درآمد. ناصر پس از این شکست، کوشید تا توان نظامی مصر را تقویت کند. او در برابر خواست آمریکایی‌ها مبنی بر انعقاد قرارداد صلح با رژیم صهیونیستی مقاومت می‌کرد. اصرار آمریکایی‌ها، گرایش بیشتر ناصر به سوی شوروی را در پی داشت و این امر برای آمریکا قابل تحمل نبود. به این ترتیب هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی به این نتیجه رسیدند که نباید ناصر

بازخوانی چرایی شکل گرفتن یک جریان تندرو در تاریخ اسلام

# خوارج؛ از «توهم تقوا» تا شمشیرهای برهنه



نقاشی: عبدالناصر/نقاشی: عبدالناصر

می‌گفتند، مدام یکدیگر را به یاد آیات عذاب می‌انداختند و می‌گریستند. آن‌ها در مکالمات روزمره خود، هرکس را که با آن‌ها هم عقیده نبود، به سادگی «مشرک» خطاب می‌کردند و در همان حال، سران خوارج (مانند حرقوص بن زهیر) از این احساس گناه نیروهای عادی به عنوان موتور محرک نظامی استفاده می‌کردند. در واقع، در حالی که نیروی معمولی بادیه‌نشین در توهم پاک کردن گناهان خود با شمشیر بود، سران خوارج این انرژی کور را در مسیر یک انتقام‌جویی کورکورانه علیه ساختار سیاسی مستقر هدایت می‌کردند. این تضاد و در عین حال هم‌افزایی میان «جهل عوام» و «تحصّب ایدئولوژیک رهبران»، مرگبارترین سلاح خوارج در نه‌روان بود.

■ **تحلیل جامعه‌شناختی: تقابل بادیه‌نشین و دولت‌داری پیچیده**

برای فهم چرایی شکل‌گیری خوارج نمی‌توان تنها به تاریخ سیاسی اکتفا کرد. «ابن‌خلدون» در «مقدمه» معروف خود، کلیدواژه مهمی به نام «عصبیت» بدوی و قبایلی را مطرح می‌کند که در تحلیل پیدایش خوارج بسیار راه‌گشاست. بیشتر اعضای خوارج از قبایل بادیه‌نشین «تمیم»، «بکر بن وائل» و «بنی‌شیبان» بودند. این قبایل پس از فتوحات اسلامی، به سرعت از بیابان‌ها به شهرهای نوبنیادی چون کوفه و بصره مهاجرت کردند. آن‌ها که پیش از این با ساختار ساده، خشن و بی‌تکلف بیابان‌خو گرفته بودند، اکنون با پیچیدگی‌های یک دولت بزرگ، مناسبات اقتصادی جدید و دیپلماسی سیاسی مواجه شدند. چنان‌که «هشام حعیط»، متفکر و تاریخ‌پژوه معاصر تونس در تحلیل‌های خود از شهر کوفه (در کتاب «کوفه: سرچشمه شهر عربی اسلامی») نشان می‌دهد خوارج اغلب از طبقه «قرّآ» (قاریان قرآن) بودند؛ اما این قاریان، نه

عالمان دین؛ بلکه عرب‌های بادیه‌نشین بودند که قرآن را تنها حفظ کرده و با همان ذهنیت ساده و بسیط بدوی خود آن را تفسیر می‌کردند. آن‌ها توانایی درک پیچیدگی‌های حکمرانی امام علی(ع) و ضرورت‌های راهبردی مانند پذیرش موقت حکمیت، با توجه به شرایط پیش‌آمده را نداشتند. از منظر جامعه‌شناختی، خوارج نماینده طبقه‌ای بودند که در برابر هژمونی نخبگان و پیچیدگی‌های تمدنی، دچار نوعی «شوک فرهنگی» شده و برای باز یافتن هویت خود، به افراط‌گرایی مذهبی پناه بردند. این وضعیت، دست‌کم در برخی از رده‌های پایین این جریان دیده می‌شد.

■ **تحلیل اعتقادی: انسداد فکری و تولد تکفیر**

هسته مرکزی عقاید خوارج که «ابوالعباس میرد» در کتاب «الکامل میرد» (که از مهم‌ترین منابع ادبی و تاریخی در شناخت ادبیات و تفکر خوارج است) به خوبی آن را بازتاب داده‌است، حول محور تقلیل‌گرایی شدید دینی می‌چرخید. شعار «لا حُکَم الا لله» در ظاهر شعاری کاملاً توحیدی بود؛ اما در باطن، ابزاری برای نفی هرگونه نهاد بشری و عقلانیت سیاسی محسوب می‌شد. خوارج معتقد بودند هرکس مرتکب «گناه کبیره» شود، کافر است و خون و مال او میاح می‌شود. این ایده، خطرناک‌ترین بدعت در تاریخ عقاید اسلامی بود. «شهرستانی» در «الملل و النحل» در تشریح عقاید آن‌ها می‌نویسد خوارج پذیرش حکمیت انسانی در امور دینی را شرک مطلق می‌دانستند. آن‌ها خود را تنها مؤمنان واقعی روی زمین می‌پنداشتند و جامعه اطرافشان را «دارالکفر» (سرزمین کفر) می‌نامیدند. این انحصارطلبی عقیدتی موجب شد آن‌ها دست به جنایاتی چون قتل عبدالله بن‌خباب (از صحابه) و همسر باردارش بزنند، تنها به این دلیل که او با عقاید تکفیری آن‌ها همراهی نکرده بود. در واقع، دین برای خوارج نه یک مسیر برای تعالی روحی؛

# تاریخ

بلکه قهرستی از قوانین خشک بود که تخطی از هر کدام، مجازات مرگ را در پی داشت.

■ **تحلیل روان‌شناختی: خودشیفتگی و تفکر «صفر و صدی»**

از منظر روان‌شناسی مدرن، رفتار خوارج نه‌روان را می‌توان به عنوان یک نمونه کلاسیک از اختلالات شخصیتی در بستر گروهی تحلیل کرد. نخستین ویژگی روان‌شناختی آن‌ها، «تفکر دوقطبی» (سیاه و سفید) بود. این نوع تفکر که در روان‌شناسی شناختی به عنوان یک خطای شناختی دانسته می‌شود، به آن‌ها اجازه می‌داد بدون هیچ‌گونه عذاب وجدانی، دست به خشونت‌آمیزترین اعمال بزنند. ویژگی دوم، خودشیفتگی بود. متون تاریخی پر از گزارش‌هایی است که نشان می‌دهد خوارج چقدر به نمازها و روزه‌های خود غرّه بودند. آن‌ها دچار این توهم بودند که مقرب‌ترین انسان‌ها در پیشگاه خداوند هستند. این خودشیفتگی، به آن‌ها نوعی «حقانیت کاذب» می‌داد. فردی که دچار خودشیفتگی مذهبی است، هرگونه نقدرا حمله به ساحت دین تلقی می‌کند و مخالف خود را دشمن خدا می‌پندارد. علاوه بر این، روان‌شناسی رفتار توده‌ای نشان می‌دهد خوارج دچار نوعی «ناهماهنگی شناختی» شده بودند. آن‌ها متوجه شدند با تحمیل حکمیت در صفین، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند؛ اما به جای پذیرش مسئولیت اشتباه خود، با استفاده از مکانیسم دفاعی «فرافکتی»، گناه را به گردن امیرمؤمنان(ع) انداختند و از او خواستند به کفر خود اعتراف و توبه کند. این فرافکتی، راهی روانی برای فرار از احساس گناه ناشی از تصمیم‌های غلط گذشته بود.

■ **نگاهی به نمونه‌های معاصر**

در دوران معاصر نیز برخی جریان‌های فکری با همان زیرساخت‌هایی شکل گرفتند که در خوارج مورد مطالعه قرار دادیم. مشهورترین و قابل بررسی‌ترین نمونه، جریان «گروهک تروریستی فرقان» در ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. این گروهک که با هدایت شخصی به نام «اکبر گودرزی» شکل گرفته بود، از نظر نوع عملکرد و ساختار شکل‌گیری، شباهت تام و تمامی به جریان خوارج داشت. این گروه در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ خورشیدی به ترور تعدادی از برجسته‌ترین یاران امام خمینی(ره) و مسئولان جمهوری اسلامی دست زد؛ افرادی مانند شهید مطهری، شهید فرنی، شهید عراقی و حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (که در جریان ترور گروهک فرقان، به افتخار جانبازی نائل شدند). گودرزی به‌عنوان سرکرده گروه، در میان پیروانش چهره‌ای کاریزما تیک داشت. او تفساسی خاص خودش را از قرآن ارائه می‌داد. تفسیر آن‌ها در میان مبارزان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، به تفسیرهای «لوله‌تفنگی» مشهور بود. گودرزی از هر آیه قرآن اسلحه‌ای بیرون می‌آورد و با استفاده از آن، اطرافیان‌ش را برای انجام ترور تشویق می‌کرد. وی ظاهری زاهد داشت و مشهور است که هنگام بازداشت، در خانه تیمی او حدود ۳۰۰ هزار تومان وجه نقد- به نرخ سال ۱۳۵۸ خورشیدی- پیدا کردند؛ اما خود گودرزی از نان و پنیر به‌عنوان غذا استفاده می‌کرد. افراد او به سادگی حکم اعدام افراد بی‌گناه را صادر می‌کردند. شهادت شهید مطهری تنها به این دلیل بود که آن مرحوم در مقدمه کتاب «علل گرایش به مادی‌گری» به نقد افکار فرقانی‌ها پرداخت و مانند خوارج، نقد به تفکر آن‌ها هم مجازات مرگ در پی داشت. افراد رده‌های پایین گروهک فرقان نیز مانند خوارج، عموماً افراد ساده و تحصیل‌نکرده‌ای بودند که جز ظاهر دین، چیزی را نمی‌شناختند. آن‌ها به شدت تحت تأثیر حرف‌های گودرزی و تفساسی وی از قرآن قرار داشتند و به این ترتیب، مجموعه مخوف، بر بستری شبیه بستر شکل‌گیری خوارج به وجود آمد و جنایت‌های بی‌شماری را رقم زد.

آیا جمال عبدالناصر توسط انور سادات مسموم شد؟

## زهـر «انور» در قهوه «ناصر»!



وجود داشته باشد!

■ **کلید خوردن پروژه ترور**

برخی معتقدند پروژه ترور ناصر از مدت‌ها پیش و به وسیله موساد کلید خورده بود. این مسئله اصلابعدنیست؛ صهیونیست‌ها همواره از ترور به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین راه‌های از میان برداشتن مخالفانشان استفاده می‌کنند. ظاهراً ابتدا قرار بود این اقدام در یازدید ناصر از سودان و ضمن حضور وی در نمایشگاه انقلاب فلسطین انجام شود؛ اما به دلایلی این اقدام به نتیجه نرسید. ناصر پس از بازگشت از سودان، با یاسر عرفات دیداری داشت و در همین دیدار بود که اتفاقی عجیب روی داد: اتفاقی که ۴۰ سال پس از مرگ ناصر، توسط حسنین هیکل، روزنامه‌نگار شهیر مصری که در آن جلسه حضور داشت، فاش شد و

را در برنامه زنده شبکه الجزیره به زبان آورد، تأکید کرد سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، آمریکا، انگلیس، عربستان سعودی و حتی ساواک، برای ترور ناصر برنامه‌ریزی کرده بودند. او که در آخرین لحظات نزد جمال عبدالناصر و شاهد مرگ او بود، از یک علامت سؤال بزرگ درباره چرایی مرگ رئیس‌جمهور فقید مصر پرده برداشت. هدی ناصر، دختر جمال عبدالناصر نیز بر این نظریه مُهر تأیید زد و سادات را قاتل پدرش معرفی کرد؛ اما آیا می‌توان مسئله قتل ناصر توسط سادات را به‌صورت جدی مورد توجه قرار داد؟

■ **چرا انور سادات؟**

همان‌طور که اشاره کردیم، ناصر اصولاً در برخورد با رژیم صهیونیستی اهل ماماشات نبود؛ او به شدت از مبارزان فلسطینی حمایت می‌کرد و افزون بر این، مصر عصر ناصر سیسم، وعده‌گاه همه مبارزان از اقصی نقاط جهان برای گذراندن دوره‌های جنگ چریکی بود. بنابراین کشورهای منطقه؛ به‌ویژه آن‌ها که به دلیل رژیم استبدادی، همواره در معرض اعتراض و قیام مردمی قرار داشتند، از ناصر سیسم و جمال عبدالناصر متنفر بودند. در این میان، آمریکا به‌عنوان هماهنگ‌کننده اقدام مشترک علیه ناصر وارد عمل شد و سازمان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، نفوذ در میان اطرافیان ناصر را آغاز کرد؛ داماد او، اشرف مروان، یکی از این افراد بود که ارتباطش با اسرائیل، چند دهه بعد فاش شد. اطرافیان ناصر به دو گروه مشخص تقسیم می‌شدند: طرفداران شوروی و علاقه‌مندان به آمریکا؛ انور سادات در رأس گروهی قرار داشت که پیوند مصر و آمریکا را لازم می‌دانست و مورد علاقه غرب بود. او پس از مرگ ناصر رئیس‌جمهور شد، در جنگی از پیش طراحی شده، صحرای سینا را از صهیونیست‌ها پس گرفت و بلافاصله در کمپ دیوید، با بگین، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و قصاب دیرباسین، پیمان صلح را امضا کرد. بنابرین به‌منظر می‌رسد برای غرب راه‌برقاری امنیت در مرزهای غربی فلسطین اشغالی، از روی جنازه جمال عبدالناصر عبور می‌کرده است و انجام این امر؛ یعنی ترور ناصر باید به دست کسی صورت می‌گرفت که نفعی از این قتل داشته باشد؛ اینجاست که انگشت اتهام، تنها به سوی انور سادات نشانه می‌رود و او را به متهم ردیف اول این جنایت تبدیل می‌کند.

روایت معلم نمونه بهابادی از رؤیایی که به واقعیت تبدیل شد

# از مکتبخانه مادر تا راهاندازی موزه‌های با ۵ هزار گونه



**عباسعلی سپاهی یونسی** | میهمان این هفته من رضا زینلی، معلم زیست‌شناسی اهل بهاباد یزد است. او از آن دست آموزگاران است که آموزش را تنها در چارچوب کتاب درسی تعریف نمی‌کند. زینلی از دل یک خانه ساده که روزگاری مکتبخانه مادرش بود، به رؤیایی رسید که امروز در قالب «موزه آفرینش» با بیش از ۵ هزار نمونه، میزبان دانش‌آموزان و علاقه‌مندان است.

مسیر رسیدن او به موزه با چند صدف در یک کمد مدرسه آغاز شد، اما اکنون به مجموعه‌ای ۱۴ هزار متری با بخش‌های تخصصی گیاه‌شناسی، جانورشناسی، سنگ

و فسیل تبدیل شده است. زینلی در این روایت، از سال‌های کودکی، تأثیر خانواده، جرقه‌های نخستین ایده موزه، دشواری‌های جابه‌جایی‌های پی‌درپی و حتی بخشیدن جایزه ۵۰۰ میلیون تومانی معلم برتر به توسعه این مجموعه گفت؛ روایتی که از پایداری و باور به قدرت آموزش عینی حکایت دارد.

رضا زینلی، دبیر زیست‌شناسی و اهل بهاباد یزد، سال‌هاست تلاش می‌کند آموزش علوم را از حالت صرفاً کتابی خارج و آن را به تجربه‌ای عینی تبدیل کند؛ تجربه‌ای که دانش‌آموزان بتوانند ببینند، لمس کنند و با آن ارتباط بگیرند.

## از مکتبخانه مادر تا دانشگاه اراک

آموزشی آنچنان گسترده نبود، اما معلمان دلسوزی داشتیم که برای ما زحمت می‌کشیدند. من دوران مدرسه را در همان شهر گذراندم؛ از دبستان تا دبیرستان و سال ۱۳۷۱ دیپلم گرفتم.

در دوره دبیرستان معلمانی داشتیم که هر کدام به شکلی روی ما تأثیر می‌گذاشتند، اما یکی از آن‌ها نقش پررنگ‌تری در زندگی من داشت به نام آقای گرانمایه. ایشان دبیر زیست‌شناسی ما بودند. یادم هست وقتی در کلاس درس می‌داد، فقط به متن کتاب اکتفا نمی‌کرد. سعی می‌کرد مطالب را به شکل عینی نشان دهد. اگر امکانش بود نمونه‌ای می‌آورد یا در آزمایشگاه توضیح می‌داد.

همان تجربه‌ها موجب شد بفهمم زیست‌شناسی فقط چند صفحه درس نیست؛ جهانی از مشاهده و کشف است. از همان زمان تصمیم گرفتم مسیرم را در همین رشته ادامه دهم و معلم شوم. هم علاقه داشتم و

من رضا زینلی بهابادی هستم؛ متولد ۱۳۵۳ در شهر بهاباد یزد. در خانواده‌ای به دنیا آمدم که پدرم کشاورز و مادرم ملای مکتبخانه بود و قرآن تدریس می‌کرد. مادرم در خانه کلاس قرآن برگزار می‌کرد و بچه‌های محل می‌آمدند و دور هم می‌نخستند و قرآن یاد می‌گرفتند. در واقع خانه ما مکتبخانه بود. از همان سال‌ها یادم هست که نسل‌های مختلفی از بچه‌ها به خانه ما می‌آمدند. صبح تا ظهر خانه پر از صدا بود؛ صدای خواندن قرآن، تکرار کردن درس‌ها و توضیحاتی که مادرم با حوصله می‌داد. ما هم در همان فضا بزرگ شدیم. شاید همان زمان‌ها بود بی‌آنکه متوجه باشم، آموزش و یاد دادن در ذهنم جای خاصی پیدا کرد.

زندگی در بهاباد ساده بود. شهری کوچک با مردمی که بیشترشان با کشاورزی یا کارهای ساده روزگار می‌گذراندند. امکانات

فقط ۳۰ سانتیمتر فضا داشتیم، اما همان جا در واقع اولین محل نگهداری مجموعه ما شد. دیدن علاقه دانش‌آموزان موجب شد تصمیم بگیرم نمونه‌های بیشتری جمع‌آوری کنم. برای همین سال ۱۳۷۷ به بندر کنگ رفته و نمونه‌های دیگر مثل صدف، خرچنگ و... تهیه کردم. چیزهایی را که آوردم در ۹ جعبه به نمایش گذاشتم. اولین گروهی که برای دیدن این مجموعه آمدند دانش‌آموزان خودم بودند. وقتی وارد شدند و با دقت به نمونه‌ها نگاه می‌کردند، حس عجیبی داشتم؛ حس اینکه چیزی که مدت‌ها در ذهنم بود، دارد کم‌کم شکل واقعی پیدا می‌کند.



## از یک اتاق کوچک تا سالنی بزرگ‌تر

مدتی بعد به فضای کوچکی که در دبیرستان در اختیار داشتم نیاز داشتم و من مجبور شدم نمونه‌ها را به خانه ببرم. آنجا رئیس پیام نور بهاباد به من پیام خریدن نمونه‌ها را به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان داد که مبلغ خوبی بود، اما من قبول نکردم. دوباره آقای اخوان که علاقه زیادی نشان داده بود اتاقی در مدرسه در اختیارم گذاشت. اتاقی حدود ۳ در ۷ متر. دیوارهایش ساده بود، برق نداشت، حتی در و پنجره درست و حسابی نداشت، اما برای من بسیار ارزشمند بود و باید آن را کامل می‌کردم که همین طور شد.

سردر اتاق هم نوشتند «موزه علوم طبیعی دبیرستان شهید رفیعیان». وقتی این جمله را دیدم هم خوشحال شدم و هم کمی احساس عذاب وجدان داشتم. چون واقعیت این بود که تعداد نمونه‌ها هنوز خیلی کم بود و شاید در یک کمد جا می‌شد. فکر می‌کردم یک اتاق مدرسه را اشغال کردم، اما اتفاقی افتاد که خودم هم انتظارش را نداشتم. کمتر از ۶ ماه بعد تعداد نمونه‌ها آن قدر زیاد شد که آن اتاق کوچک تقریباً پر شد.

حدود سال‌های ۷۹ و ۸۰ بود که با پیگیری‌هایی که انجام شد، فضای بزرگ‌تری در اختیار ما قرار گرفت. حدود ۶۰ متر به مجموعه اختصاص داده شد. برای من که تا آن زمان با یک اتاق کوچک کار می‌کردم، این فضا بسیار بزرگ به نظر می‌رسید. با خودم فکر می‌کردم حالا دیگر برای چند سال مشکلی از نظر جانشینانم داشتم.

با شوق فراوان شروع کردم به چیدن نمونه‌ها. هر کدام را با دقت در جایی قرار می‌دادم و سعی می‌کردم مجموعه‌ها شکل مرتب‌تری بگیرد، اما خیلی زود متوجه شدم با چیدن نمونه جایی نداریم. چند سال آنجا بودیم تا رسیدیم به سال ۱۳۸۶. یعنی وقتی ساختمان پژوهش‌سرا در حال آماده شدن بود، من به پیشنهاد شد که مجموعه به آنجا منتقل شود. قرار بود فضای بزرگ‌تری در اختیار ما قرار بگیرد.

یک روز که به اداره آموزش و پرورش رفته بودم، رئیس اداره گفت فردا ساعت ۱۰ صبح قرار است میزبان مدیر یکی از معادن باشیم و باید مجموعه تا آن زمان به ساختمان جدید منتقل شده باشد. وقتی این را شنیدم واقعاً متعجب شدم. گفتم حداقل یک ماه زمان لازم داریم، اما پاسخ این بود که باید همین فردا انجام شود. خلاصه سه نفر نیرو و یک ماشین در اختیارم گذاشتند و از همان روز شروع کردیم به جابه‌جایی.

آن شب یکی از شلوغ‌ترین و سخت‌ترین شب‌های زندگی من بود. تا حدود ۱۱ شب مشغول انتقال نمونه‌ها بودیم. بعد از آن هم برای مرتب کردن اولیه کار ادامه پیدا کرد. یادم هست حدود ساعت ۲/۵ شب به خانه رسیدم و صبح زود دوباره برگشتم تا کار چیدمان را ادامه دهم. وقتی باز دیدم کنندگان رسیدند، مجموعه تا حد زیادی آماده شده بود. دیدن واکنش آن‌ها خستگی آن شب را از تنم بیرون کرد.

## نخستین جرقه‌های یک موزه



سال ۱۳۷۵ وارد آموزش و پرورش شدم. بعد از پایان تحصیل باید دوره‌ای را به عنوان طرح مناطق محروم می‌گذراندم. پس از آن دوباره به شهر خودم برگشتم و برای دوره طرح به هرمزگان رفتم. بعد از برگشت از هرمزگان و شروع معلمی ام در بهاباد وقتی وارد مدرسه شدم، خیلی زود متوجه شدم بعضی از مفاهیم زیست‌شناسی اگر فقط توضیح داده شوند، برای دانش‌آموزان سخت است و از طرفی دوستان هم می‌گفتند اگر طرحی نوراً عملی کنیم خوب است. این صحبت هم از طرف دبیرستان بود و هم آموزش و پرورش موافق بود برای همین پیشنهاد برگزار یک نمایشگاه در حوزه زیست را دادم تا دانش‌آموزان بعضی چیزها را مشاهده کنند، چیزی که برای خودم اتفاق افتاده بود.

یک روز هنگام تدریس درباره گیاهی به نام دم اسب صحبت می‌کردم که در منطقه ما وجود نداشت. توضیح دادنش برای بچه‌ها سخت بود. خوشبختانه نمونه‌ای خشک شده از آن گیاه را از زمان دانشگاه داشتم. وقتی آن را به کلاس آوردم و نشان دادم، درس در چند دقیقه جا افتاد. همان‌جا فهمیدم آموزش عینی چقدر می‌تواند مؤثر باشد.

این تجربه ساده تأثیر بزرگی روی من گذاشت. کم‌کم شروع کردم به نگهداری هر نمونه‌ای که می‌توانست برای آموزش مفید باشد و خلاصه دست به کار فراهم کردن نمایشگاه شدیم. برای شروع مقداری گیاه خشک شده داشتم که روی میز چیدیم. زمان معلمی در جنوب هم چند دانش‌آموز برای صدف و چند موجود دریایی آورده بودند برای همین آن‌ها را هم به دبیرستان بردم. وقتی مدیر و معلمان دیدند خیلی استقبال کردند. از مدیر مدرسه، آقای اخوان به شوخی پرسیدم حالا این‌ها را کجا بگذارم؟ تصورم این بود که بگویند در یک کمد و در اتاقی بگذاریم، اما ایشان گفت فعلاً گوشه کمد که بیرون دفتر مدرسه است بگذار. شاید

## گذشتن از جایزه ۵۰۰ میلیون تومانی

اتفاق‌های مختلفی افتاده است؛ بعضی خوشحال‌کننده و بعضی ناراحت‌کننده. یکی از سخت‌ترین خاطراتم مربوط به زمانی است که تعدادی از سنگ‌های بسیار ارزشمند و منحصربه‌فرد مجموعه آسیب دیدند. برای ثابت نگه داشتن ویترن‌ها از نجار خواسته بودم آن‌ها را به دیوار متصل کند. برای کاری بیرون رفتم و وقتی برگشتم دیدم نجار ناراحت است و متوجه موضوع شدم. طبقه‌ای که سنگ‌ها روی آن قرار داشت از جای خود رها شده و سنگ‌ها خرد شده‌اند. واقعاً ناراحت شدم. چند روز حال خوبی نداشتم. نه فقط به خاطر ارزش مادی آن‌ها، بلکه به خاطر اینکه می‌دانستم این‌ها نمونه‌های کم‌نظیری هستند و من نتوانستم امانتدار خوبی باشم. اما صاحب آن سنگ‌ها وقتی موضوع را فهمید، با بزرگواری گفت اصلاً غصه نخور. شبیه همان‌ها را مجانی جایگزین می‌کنم و دوباره نمونه‌های مشابهی برای مجموعه تهیه کرد. آن رفتار برای من بسیار ارزشمند بود.

سال پیش در برنامه‌ای با عنوان جایزه معلم شرکت کردم. دوستان پیشنهاد داده بودند و من هم ثبت‌نام کردم. جالب اینجاست که از همان ابتدا با خانواده درباره نتیجه احتمالی صحبت کرده بودیم و قرار گذاشتیم جایزه را به توسعه موزه اختصاص دهم. من ایمان داشتم که کار من از بین ۱۰ هزار شرکت‌کننده اول می‌شود. برای من این موضوع از قبل مشخص بود و تصمیمی نبود که در لحظه گرفته شود. وقتی جایزه ۵۰۰ میلیون تومانی به من تعلق گرفت، همان کاری را انجام دادم که از قبل درباره‌اش فکر کرده بودیم و اگر مبلغ بیشتری هم بود همین کار را انجام می‌دادم. خوشبختانه برکت این کار را هم در زندگی دیده‌ام. با وجود همه این سال‌ها هنوز فکر می‌کنم این مسیر تازه آغاز شده است. آرزو دارم موزه آفرینش بهاباد به جایی تبدیل شود که نه فقط در ایران، بلکه در سطح بین‌المللی شناخته شود. دوست دارم دانش‌آموزان وقتی وارد این فضا می‌شوند، علم را با تمام وجود حس کنند. آموزش وقتی لذت‌بخش می‌شود که با تجربه همراه باشد.

امروز موزه آفرینش بیش از ۵ هزار نمونه مختلف دارد که در بحث سنگ و فسیل و آبریزان جزو موزه‌های مطرح کشور است. در بحث آموزش عینی به تأیید بزرگان این حوزه آموزش منحصربه‌فرد داریم که در سطح کشور و کشورهای توسعه‌یافته است. هر کدام از این نمونه‌ها داستانی دارند. بعضی را خودم در سفرها جمع‌آوری کرده‌ام، بعضی را دوستان هدیه داده‌اند و برخی هم حاصل همکاری دانشگاه‌ها و مراکز علمی است. وقتی دانش‌آموزان وارد این فضا می‌شوند، واکنش‌هایشان برای من بسیار لذت‌بخش است. گاهی می‌بینم با شگفتی به نمونه‌ها نگاه می‌کنند یا سؤال‌هایی می‌پرسند که نشان می‌دهد ذهنشان درگیر شده است. برای من همین لحظه‌ها ارزشمندترین پاداش این سال‌هاست. در میان این سال‌ها



## کمکی که مسیر را تغییر داد

اما همان موقتی بودن حدود هفت سال طول کشید و سال گذشته ساختمان نهایی موزه آماده و پنجمین جابه‌جایی انجام شد. ساختمان جدید فضایی حدود ۱۴۰۰ متر دارد که در چهار سالن میزبان مجموعه‌ای است که طی این سال‌ها شکل گرفته است. وقتی برای بار ششم نمونه‌ها را جابه‌جا کردیم و وارد ساختمان جدید شدیم، حس عجیبی داشتم. انگار همه آن سال‌ها تلاش، خستگی‌ها و نگرانی‌ها در آن لحظه معنا پیدا می‌کرد. امروز این مجموعه بخش‌های مختلفی دارد؛ گیاه‌شناسی، سنگ و فسیل، آبریزان و جانورشناسی. در کنار آن کارگاه‌های آموزشی هم برگزار می‌شود و دانش‌آموزان می‌توانند بسیاری از مفاهیمی را که در کتاب‌ها می‌خوانند از نزدیک ببینند.

مدیر معدن پس از دیدن مجموعه گفت که حاضر است برای توسعه موزه کمک کند. مبلغی که پیشنهاد داد برای آن زمان رقم قابل توجهی بود؛ ۱۵ میلیون تومان و گفت ۵۰۰ متر هم ساختمان برای موزه می‌سازم. برای من که سال‌ها با امکانات محدود کار کرده بودم، این کمک بسیار ارزشمند بود. همان مبلغ موجب شد بتوانیم برای طراحی و برنامه‌ریزی موزه اقدام‌های جدی‌تری برداریم. هرچند بحث ساخت ساختمان محقق نشد، اما همان حمایت ۱۵ میلیون تومانی خیلی ارزشمند بود و نشان داد این کار دیده شده و برای دیگران هم اهمیت دارد.

به مرور زمان اتاق‌ها و فضاهای بیشتری در اختیار موزه قرار گرفت. تعداد نمونه‌ها هم بیشتر می‌شد. هر بار که فکر می‌کردیم حالا دیگر فضا کافی است، بعد از مدتی می‌دیدیم باز هم جا کم آمده است. کم‌کم ساختمان تقریباً به طور کامل در اختیار موزه قرار گرفت و پژوهش‌سرا به جای دیگری منتقل شد. حالا دیگر مجموعه ما چند صد متر فضا داشت و بخش‌های مختلفی در آن شکل گرفته بود. ما از ساختمان ۷۰ متری به ساختمان ۸۰۰ متری رسیده بودیم. با این حال چالش‌ها همچنان ادامه داشت. سال ۱۳۹۶ ساختمان قدیمی بود و نگرانی‌هایی درباره ایمنی آن وجود داشت. همین موضوع موجب شد چند سال بعد تصمیم بگیریم مجموعه را به مکان دیگری منتقل کنیم.

یکی از سخت‌ترین بخش‌های کار ما همین جابه‌جایی‌های مکرر بود. هر بار باید هزاران نمونه با دقت جمع‌آوری، بسته‌بندی و به مکان جدید منتقل می‌شد. گاهی ماه‌ها طول می‌کشید تا دوباره همه چیز مرتب شود. اما در تمام این سال‌ها سعی کردیم حتی در سخت‌ترین شرایط هم ارتباط با دانش‌آموزان قطع نشود.

پس از تخلیه ساختمان پژوهش‌سرا مجموعه به طور موقت به سالن ورزشی دبیرستان منتقل شد تا ساختمان جدید آماده شود. فضای ایده‌آلی نبود، اما چاره‌ای نداشتم. تصورم این بود که این وضعیت موقتی است و به زودی ساختمان جدید آماده می‌شود.

گفت‌وگو با پدر شهید پاسدار رضا بشگری از شهدای هوافضا در جنگ تحمیلی سوم

# تازه‌دامادی که فرزندش را ندید و شهید شد



به هم‌به‌عنوان پدرش هیچ‌بدی از او ندیدیم. همکارش چندروز پیش به خانه ما آمد و گفت: «رضا پسر خوبی بود و رفتار پسندیده‌ای داشت.» هم‌دانشگاهی‌هایش هم از شهادتش ناراحت هستند و به من می‌گویند در دوره دانشجویی در درس ما را شکست می‌دادو اکنون نیز با شهادتش ما را شکست داده‌است.

او در پاسخ به اینکه آیا آقا رضا در مورد شهادتش نیز با شما صحبت کرده بود، می‌گوید: به همسرش گفته بود من تا سال ۱۴۰۸ بیشتر زنده نیستم؛ اما عمرش تا آن سال هم نرسید. در صحبت‌ها و شوخی‌هایش به من هم گفته بود شهید می‌شوم و من می‌گفتم «باا جان این حرف را نزن»؛ اما گفت و شهید شد. یکی از همکارانش به‌رضا گفته بود وصیت‌نامه بنویس؛ اما پسرم در پاسخ به او گفته بود شهادت در سن بالا خوب است و من الان شهید نمی‌شوم.

#### ■ نخستین شهید روستای بشگر بیرجند

بشگری می‌فرآید: ما اهل روستای بشگر در حوالی بیرجند هستیم. روستایمان تا پیش از این هیچ شهیدی نداشت. وقتی صحبت از شهادت می‌شد، رضا می‌گفت «اولین شهید روستا من هستم» و نخستین شهید روستا هم شد. با وجود اینکه مزارش در حرم مطهر رضوی است، در روستای بشگر و در روستای مادری‌اش هم برایش یادبودی زده‌اند و این‌ها همه سعادت اوست.

### گفت‌وگو

معاون هماهنگی امور فرهنگی، اجتماعی و زیارت استاندار خراسان رضوی:

## رهب‌ر شهید انقلاب به مبعوث شدن مردم باور داشتند

تعریف کردند و خودشان هم به آن پایبند بودند.

وی گفت: توجه به بیانات رهبر شهید انقلاب؛ به ویژه در آستانه چهلمین روز شهادتش، نشان می‌دهد درک و شجاعت مردم را به خوبی می‌شناختند و خون پاک ایشان سبب شد مردم حضور گسترده و بی‌ظنری در خیابان‌ها داشته باشند و برای ۴۰ شب در خیابان‌ها برانگیخته شوند. معاون هماهنگی امور فرهنگی، اجتماعی و زیارت استاندار خراسان رضوی افزود: حضور مردم در هر نقطه از شهرها، روستاها و موبک‌ها نشان می‌دهد آن‌ها خیابان را به‌عنوان سنگر و جایگاهی برای بیعت با رهبر جوان انقلاب، مبنای نظر قرار داده‌اند و این انتخاب و رویکرد حتی در سطح جهانی؛ به ویژه در کشورهای اسلامی مانند عراق و پاکستان و حتی در کشورهای اروپایی اثر گذاشته و گسترش پیدا کرده است.

حجت‌الاسلام علی عسکری تمام این موارد را نشان‌دهنده

**طاہرہ فجر دادولی** | معاون هماهنگی امور فرهنگی، اجتماعی و زیارت استاندار خراسان رضوی با حضور در موبک رسانهای قدس به مناسبت چهلمین روز شهادت رهبر شهید انقلاب و شهدای جنگ تحمیلی سوم اظهار کرد: رهبر شهید انقلاب به بعثت اجتماعی مردم باور داشتند و فرموده بودند: «به زودی خدا این مرد را مبعوث می‌کند» و امروز شاهد همین حضور مردم و مبعوث شدن آن‌ها در خیابان‌های سراسر کشور عزیزمان هستیم.

حجت‌الاسلام علی عسکری با تأکید بر اینکه اساس انقلاب بر بعثت درونی و اجتماعی استوار است، تصریح کرد: رهبر شهید انقلاب، چهره‌ای خودساخته بودند که فرآیندهای اسلام از جمله بعثت پیامبر اکرم(ص) را که به غدیر منجر شد و غدیر را که به عاشورا منتهی شد و عاشورا را که منجر به انتظار برای ظهور امام عصر(عج) شده است، مبنای نظر قرار دادند و گام دوم انقلاب را نیت و هدف رسیدن به نهضت جهانی و ظهور امام‌زمان(عج) برای مردم

### گزارش

## خراسان رضوی در سال جاری باید به تولید ۱۲۰۰ مگاوات برق نوین برسد

مجوز و پروانه بهره‌برداری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر صادر شده است. معاون فنی و مهندسی سازمان ساتبا نیز در این مراسم گفت: ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر ایران در دولت چهاردهم به ۳/۵برابر افزایش پیدا کرده است.

علیرضا پرنده مطلق اظهار کرد: مجموع ظرفیت کشور از هزار و ۲۰۰ به ۴هزار و ۵۰۰ مگاوات رسیده و در دولت چهاردهم ۳/۵برابر شده است.

وی با تأکید بر اهمیت پیگیری‌های استانی خاطرنشان کرد: در سال ۱۴۰۳، ساخت یک نیروگاه یک‌مگاواتی حدود ۹ تا ۱۰ ماه زمان می‌برد؛ اما امروز شاهد هستیم یک نیروگاه ۳مگاواتی در کمتر از ۴۰ روز ساخته می‌شود. معاون فنی ساتبا اعلام کرد: برنامه داریم در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۴، با وجود تمامی محدودیت‌ها، فشارهای بین‌المللی، ۲ هزار و ۵۰۰ مگاوات دیگر را نصب کنیم. پیش‌بینی می‌شود تا پایان تابستان امسال ظرفیت کل نیروگاه‌های تجدیدپذیر به ۱۱هزار مگاوات برسد.

پرنده مطلق افزود: هدف‌گذاری شده که سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی کشور در دولت چهاردهم به



## خبر

مدیرعامل بنیاد کرامت رضوی خبر داد

### اجرای پویش عبادت از مصدومان جنگ رمضان توسط خادمیاران

مدیرعامل بنیاد کرامت رضوی با تشریح ابعاد معنوی و حمایتی مرحله نخست اقدام‌های شبکه خادمیاری، از برپایی نظام تکریم خانواده شهدا، عبادت از مجروحان در بیمارستان‌ها و تجهیز مکان‌های لازم برای اسکان اضطراری آسیب‌دیدگان خبر داد.
محمدحسین استادآقا با اشاره به اتمام موفقیت‌آمیز فاز نخست فعالیت‌های تکریمی و حمایتی این بنیاد در سراسر کشور، اظهار کرد: در مرحله نخست اقدام‌های شبکه خادمیاری که با هدف پیوند معنوی آستان قدس رضوی با مدافعان امنیت و آسیب‌دیدگان حوادث اخیر طراحی شده بود، خادمیاران رضوی نقش محوری در تجلیل از مقام شامخ شهدا و دلجویی از خانواده‌های معظم آن‌ها ایفا کردند. وی گفت: طبق گزارش‌های عملیاتی، در این مرحله پویش گسترده عبادت از جانبازان و مصدومان جنگ رمضان در تمامی مراکز درمانی و منازل شخصی آن‌ها در ۳۱ آستان به مرحله اجرا درآمده تا عطر پرچم متبرک و هدایای معنوی آستان قدس رضوی، مایه سکینه و تسلای خاطر این مجاهدان باشد.

مدیرعامل بنیاد کرامت رضوی درباره اقدام‌های حمایتی از کادرهای اجرایی و خدماتی در مرحله نخست تصریح کرد: شبکه خادمیاری در این فاز، مأموریت ویژه‌ای برای ق‌دردانی و سیاست‌گذاری از نیروهای عملیاتی اعم از آتش‌نشانان، پرسنل اورژانس، مدافعان سلامت و نیروهای نظامی و بسیجی مستقر در معابر و بیمارستان‌ها را بر عهده داشت. استاد آقا همچنین به زیرساخت‌های مهیا شده برای شرایط بحران اشاره کرد و افزود: در راستای اجرای مرحله نخست اقدام‌های پدافندی، تمامی مجتمع‌های میان‌راهی، اماکن مذهبی و فضاهای تحت نظارت کانون‌های خدمت رضوی در مسیرهای مواصلاتی و شهرهای هدف، برای پذیرایی و اسکان اضطراری احتمالی هموطنان تجهیز و آماده‌سازی شده‌اند.

وی در پایان با تأکید بر استمرار این خدمات در مراحل بعدی خاطر نشان کرد: شبکه خادمیاری در مرحله نخست اقدام‌های خود نشان داد در سخت‌ترین شرایط، پناهگاه و خدمت‌گزار ملت ایران است. به گفته استاد آقا، با تثبیت دستاوردهای مرحله نخست در حوزه‌های تکریمی و اسکان، کانون‌های خدمت رضوی با رصد دقیق نیازهای روز جامعه، آمادگی دارند تا در فازهای بعدی عملیات «قرار مقاومت»، جترحمایت‌های معنوی ورفاهی خود را متناسب با شرایط جبهه‌های داخلی گسترش دهند.

شایان ذکر است ۱۶۰ هزار خادمیار رضوی در سراسر کشور در

کانون‌های تخصصی مختلف فعالیت می‌کنند.



### «ردای کرامت» بر تن کودکان ایران

**ضمیری** | در بهاری پرنشاط و معنوی که هم‌زمان با جشن‌های نوروز و عید سعید فطر است، بار دیگر فرصت آن فراهم می‌شود که با تکیه بر همبستگی و همدلی، دست‌های مهربان و قلب‌های بخشنده به سوی نیازمندان گنوده شود. پویش «ردای کرامت» نمادی است از این سیر معنوی و اجتماعی که با هدف تقویت بنیان خانواده، ترویج فرهنگ مواسات و همدلی و بهره‌مندی کودکان نیازمند کشور، در حال اجراست. این حرکت پرمفهوم، لیخندی بر لب‌های کودکان کم‌برخوردار می‌نشانند و نشان می‌دهد جامعه ما در مسیر همیاری و انسان دوستی قدم برمی‌دارد و در راستای تحقق عدالت اجتماعی گام‌های مؤثری برداشته است.

پویش «ردای کرامت» با همت مرکز امور زنان و خانواده بنیاد کرامت رضوی هم‌زمان با عید فطر و نوروز، هدفی بزرگ و ارزشمند در عرصه خدمت‌رسانی اجتماعی است. این طرح ملی، با پشتوانه مشارکت‌های مردمی و با همکاری کانون‌های خدمت بانوان و خانواده در سراسر کشور توانسته تأثیرگذار باشد و الگویی موفق در گسترش فرهنگ نوع‌دوستی و عدالت اجتماعی را ایجاد کند.

هدف اصلی این پویش، تأمین نیازهای معیشتی و عاطفی کودکان خانواده‌های کم‌برخوردار است تا در این روزهای پر از معنویت و شادی، آن‌ها نیز احساس عزت، کرامت و شادی کنند. در این راستا، بیش از ۴ هزار دست لباس عید، به ارزش تقریبی ۴۰ میلیارد ریال، در اختیار کودکان نیازمند قرار گرفت. این اقدام که بر پایه مشارکت خیران و نیکوکاران صورت گرفت، نشانگر اعتماد اجتماعی و همبستگی ملی است و می‌خواهد تقیصه‌های اقتصادی را کاهش دهد و زمینه‌ای را برای ترویج فرهنگ کمک و همدلی فراهم آورد.

فاطمه دژبرد، مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی در تشریح فرایند اجرایی این پویش تأکید کرد: ابتدا مشارکت‌های مالی جمع‌آوری و سپس خانواده‌های مشمول در دهک‌های درآمدی پایین و زیر پوشش نهادهای حمایتی شناسایی شدند. در ادامه، مراحل تأمین و توزیع لباس‌ها با دقت بسیار انجام شد تا هم نیازهای مادی و هم احترام و عزت نفس کودکانی که در این طرح مشارکت داشتند، حفظ شود. نتیجه این فرایند، تهیه و اهدای لباس به ارزش بیش از ۴۰ میلیارد ریال است که نماد اعتماد و مشارکت فعال مردمی در مسیر خدمت‌رسانی به شمار می‌آید.

وی در پایان، از استمرار و گسترش این برنامه‌های حسنه با کمک و همراهی خیران و کنشگران اجتماعی خبر داد و بر اهمیت تداوم چنین حرکت‌هایی در راستای خدمت‌رسانی و توسعه عدالت اجتماعی تأکید کرد. دژبرد یادآور شد: استمرار چنین پویش‌هایی می‌تواند بستر گسترش عدالت اجتماعی، تقویت سرمایه‌های انسانی و ترویج فرهنگ نوع‌دوستی را در جامعه بیش از پیش فراهم بیاورد.

<b>انان شهر</b>	<b>انان مغرب</b>	<b>انان صبح فردا</b>			
۱۲:۰۶	۱۸:۰۵	۰۴:۱۳	<b>انان شهر</b>	<b>انان مغرب</b>	<b>انان صبح فردا</b>
<b>غروب خورشید</b>	<b>نیمه شب شرعی</b>	<b>طلوع فردا</b>	<b>غروب خورشید</b>	<b>نیمه شب شرعی</b>	<b>طلوع فردا</b>
۱۸:۳۲	۲۳:۲۳	۰۵:۴۰	۱۱:۳۳	۱۸:۱۹	۰۳:۳۹
			۱۸:۰۰	۲۲:۴۹	۰۵:۰۷

پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۵
۲۰ شوال ۱۴۴۷
۹ آوریل ۲۰۲۶
سال سی و نهم / شماره ۱۰۸۹۸

<b>انان شهر</b>	<b>انان مغرب</b>	<b>انان صبح فردا</b>			
۱۲:۰۶	۱۸:۰۵	۰۴:۱۳	<b>انان شهر</b>	<b>انان مغرب</b>	<b>انان صبح فردا</b>
<b>غروب خورشید</b>	<b>نیمه شب شرعی</b>	<b>طلوع فردا</b>	<b>غروب خورشید</b>	<b>نیمه شب شرعی</b>	<b>طلوع فردا</b>
۱۸:۳۲	۲۳:۲۳	۰۵:۴۰	۱۱:۳۳	۱۸:۱۹	۰۳:۳۹
			۱۸:۰۰	۲۲:۴۹	۰۵:۰۷

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس

وابسته به آستان قدس رضوی

مدیرعامل و مدیر مسئول: علی یعقوبی

سرمدبیر: سید محسن اسدی

● آدرس دفتر مرکزی مشهد: بولوار سجاد، نیش سجاد ۱-۱۴
● تلفن: ۳۷۸۵-۱۱-۰۵۱

● صندوق پستی: ۵۷۷ - ۹۱۷۲۵
● دفتر تهران: بولوارکشور، بین کارگر و چمران‌اده، شماره ۳۴
● تلفن: ۶۶۳۷۵۵ (۰۲۱)
● فاکس: ۶۶۴۳۰۲۲ (داخلی۲۲)
● پیامک: ۳۰۰۴۵۶۷
● ارتباطات مردمی: ۳۷۶۱۰۸۶ (۰۵۱)
● امور مشترکین: ۳۷۶۱۸-۴۴-۵ (۰۵۱)

● روابط عمومی: ۳۷۶۶۲۵۷ (۰۵۱)
● شمار سردبیر: ۳۷۶۸۰۰۴ - ۳۷۶۱۰۸۷ (۰۵۱)
● سازمان آگهی‌ها: ۳۷۶۲۸۲۰۵ - ۳۷۰۸۸ (۰۵۱)
● چاپ مشهد: مجتمع چاپ و نشر قدس
● چاپ هم‌زمان تهران: چاپخانه مجامع

معرفی یادگاری از قائد امت اسلام که راهنمای عملی زیارت امام رضا(ع) است

# با رهبر شهید در محضر امام رئوف علیه السلام

هارون الرشید در تصدی مقام خلافت اختصاص دارد و در نهایت، در دوران پایانی که اندکی بیش از دو سال طول کشید، امام(ع) توانست کید و نیرنگ پیچیده مأمون در اعطای مقام ولایتعهدی به حضرت را علیه خود او به کار گیرد و در نهایت، از تک‌تک عملیات‌های مأمون در راستای تقویت تشیع استفاده کند. در نظر رهبر معظم انقلاب، مأمون می‌خواست با کشاندن امام(ع) از مدینه به مرو، مبارزه انقلابی شیعیان را دچار محافظه‌کاری و انفعال کند و «ادعای تشیع مبنی بر غاصبانه بودن خلافت‌های اموی و عباسی» را تخطئه کند. همچنین «ادعای دیگر شیعیان مبنی بر زهد و پارسایی و بی‌اعتنایی ائمه(ع) به دنیا نیز با این کار نقض می‌شد». در مقابل، امام(ع) ابتدا نشان داد قبول ولایتعهدی در سایه تهدید است و دوم قبول ولایتعهدی بدون پذیرش مسئولیت سیاسی آن مثل حق انتصاب و برکناری، در واقع «یعنی تهیه و تقسیم امکانات میان عناصر انقلابی و زبده».

کتاب به سادگی نشان می‌دهد مأمون تا چه اندازه مکار و حیله‌گر بوده و تاکتیک‌هایی که امام(ع) به کار گرفته، مانند تماس با شیعیان در مسیر مدینه تا مرو یا آمادگی برای نماز عید به شکل کاملاً خاضعانه و پابرنه، تا چه اندازه مبتکرانه و خلاقانه و سیاستمدارانه و در عین حال، شگفت‌انگیز بوده‌است. همچنین بیان می‌کند فهم سیره منحصر به‌فرد اهل بیت معصومین(ع) در گرو درک تاریخ سیاسی حکومت امویان و عباسیان است چنان‌که به‌تعبیر امیرالمؤمنین(ع) برای شناخت حق باید باطل را بشناسید.

#### ■دلان باید متصل شود

در بخش پایانی کتاب، ۲۲ حدیث از امام رضا(ع) که در سال‌های مختلف شرح و بسط داده شده، آمده که برای استفاده مخاطبان و ارتقای بینش و معرفت آن‌ها بسیار مفید است. نویسنده یا به تعبیری مؤلف کتاب، در صفحه ۲۱ آن گفته «بعضی خیال می‌کنند حتماً باید بروند به ضریح بچسبند… بعضی‌ها چسبیده‌اند به ضریح؛ اما دلشان اصلاً متصل به امام رضا(ع) نیست. یکی هم ممکن است دورتر باشد؛ اما دلش متصل باشد، این خوب است». اتصال به امام رضا(ع) شدنی است و شیرین. کمی از این شیرینی را کتاب «محضر رئوف» به شما می‌چشاند.



این مبارزه حضرت رضا(ع) اتفاقاً یک مبارزه کاملاً انقلابی بوده؛ چرا که حضرت با هدف آگاهی‌بخشی در پی آن بودند که اثبات کنند «اولاً خلفا غاصب مقام خلافت الهی‌اند. دوم به مردم بفهمانند که این‌ها غاصب بیت‌المال‌اند. سوم به مردم بگویند خبر بدهند که حاملان اصلی اسلام و مفسران واقعی قرآن، یعنی فرزندان پیغمبر(ع)، صاحبان حق خلافت و حق حکومت‌اند. چهارم به مردم بگویند اگر می‌خواهند مسلمان و مؤمن واقعی باشند، بایستی پیوندشان را با خاندان پیغمبر(ع) محکم کنند؛ ولایت، ولایت یعنی این». کتاب، از بیانات رهبر معظم انقلاب طی سال‌های مختلف در مورد سیره حضرت رضا(ع) بوده که البته با دقت کنار هم قرار گرفته‌است. گویی یک سخنرانی طولانی را می‌خوانیم؛ اما به خاطر جداسازی‌های هنرمندانه‌ای که کتاب هم در بخش‌بندی و هم در ترکیب فرازهای مرتبط دارد، خواننده دچار خستگی و ملال نمی‌شود.

#### ■برای شناخت حق، باطل را بشناسید

بخش دوم سیره حضرت رضا(ع) به تدبیر و ابتکار ایشان در پنج سال اختلاف و ستیز امین و مأمون، فرزندان

در بخش نخست، نکاتی از بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد آداب زیارت آمده است. همین که «معرفت، محبت را زیاد می‌کند، محبت هم وقتی قدری زیاد شد و توسل ایجاد شد، معرفت را بیشتر می‌کند؛ لذا روی هم اثر می‌گذارند». یعنی برای اینکه امام رضا(ع) را بیشتر دوست داشته باشیم، باید در مورد زندگی و کلامش بیشتر بدانیم. کمتر کسی می‌داند که زندگی امام رضا(ع) سه بخش داشته است؛ نخست در دوران هارون الرشید که قلدر مستبد فاسد خودرای ظالمی بوده که قدرت او را «امروز در دنیا، این سیاستمداران و حاکمان و پادشاهان و رؤسای جمهور دنیا پرست، هیچ کدام ندارند». حضرت(ع) در دوران هارون، یک «مبارزه تشکیلاتی عاقلانه و آرام» را دنبال می‌کردند و کوشش ایشان «این بود که نگذارند آن اندیشه درست اسلامی و تفسیر صحیح قرآن از ذهن مردم دور شود».

در این دوران، حضرت(ع) مبتنی بر تقیه که به غلط، شکلی از انفعال معنا شده، در پی آن بوده‌اند که خود و شیعیان را از تیررس دشمنان دور کرده و مراکز تشیع در سراسر کشورهای اسلامی را «با یک پیوند فکری و مالی» به هم متصل کنند.

## میراث

رونمایی از نسخه «الحبل المتین فی احکام الدین» اهدایی رهبر شهید انقلاب (ره) به کتابخانه رضوی، در برنامه سه‌شنبه‌های علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی انجام شد

# میراث سبز رهبر شهید؛ تجلی فقه و هنر در رواق رضوی

آثار از نظر تاریخ کتابت، محتوا و هنرهای کتاب‌آرایی نیز نفاست خاصی دارند. ایزانلو ادامه داد: بیش از ۱۰ هزار نسخه مجموعه اهدایی قائد شهید(ره) توسط فهرست‌نویسان برجسته در قالب ۱۱ عنوان و چهار مجلد در این کتابخانه، فهرست‌نویسی شده‌است.

وی تصریح کرد: این فهراس نسخه‌های خطی به‌صورت موضوعی تهیه و در بیش از ۳۵ موضوع فهرست شده و می‌تواند راه‌گشای فعالیت‌های پژوهشی محققان باشد. همچنین تهیه یک یادو جلد فهرست‌الفبایی نسخه‌های این مجموعه نیز در حال پیگیری و انجام است.

#### ■وجود آثار ارزشمند در حوزه ادبیات فارسی

مدیر مخطوطات آستان قدس رضوی گفت: بیشتر این آثار اهدایی به زبان‌های فارسی، عربی و اردو است. در این میان، آثار ارزشمندی در حوزه ادبیات فارسی در میان این نسخه‌های خطی اهدایی رهبر شهید(ره) وجود دارد. وی افزود: این مجموعه آثار

شامل نسخه‌های اهدایی به حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای(ره) بوده و یا نسخه‌هایی است که ایشان خریداری کردند؛ اما دست نگه نداشته و آن‌ها را به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا کردند. ایزانلو اظهار کرد: برخی از این نسخه‌های خطی دارای تقریظ‌ها و یادداشت‌هایی از رهبر شهید(ره) است که در ۱۳ نسخه آن به یقین امضای ایشان قابل مشاهده است. همچنین سه یادداشت در دفتر یادبود کتابخانه آستان قدس رضوی از رهبر شهید(ره) مربوط به سال‌های ۱۳۶۷، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ به یادگار باقی مانده است. وی با تأکید بر اینکه یادداشت‌های

رهبر شهید(ره) در این نسخه‌های خطی اهدایی دربردارنده اطلاعات ارزشمندی در سه حوزه نسخه‌شناسی، کتاب‌شناسی و رجال‌شناسی است، خاطر نشان کرد: نگاه ویژه قائد شهید(ره) در حوزه صیانت از آثار فرهنگی باید به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

۱۸ فروردین ۱۴۰۵ و هم‌زمان با ایام شهادت حضرت آیت‌الله العظمی امام سیدعلی حسینی خامنه‌ای(ره)، با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین سید جلال حسینی، رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و جمعی از مدیران، کارشناسان و محققان این آستان مقدس و علاقه‌مندان، در تالار اندیشه کتابخانه مرکزی این آستان مقدس، برگزار شد. نسخه الحبل المتین فی احکام الدین تألیف شیخ بهایی در موضوع فقه است که در سال ۱۰۱۰ هجری قمری، به زبان عربی و به خط نسخ ۲۱ سطری، در ابعاد ۵/۲۶ سانتیمتر در ۷/۱۶ سانتیمتر کتابت و در شهر یور ۱۳۸۷ توسط رهبر شهید(ره) به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی اهدا شده‌است. در مجموع هزار و ۹۵۰ نسخه خطی از آثار شیخ بهایی در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد. همچنین از ۱۱۶ نسخه خطی از کتاب الحبل المتین فی احکام الدین در کتابخانه‌های کشور نگهداری می‌شود که ۳۵ نسخه آن در کتابخانه این آستان مقدس وجود دارد.

#### ■دغدغه رهبر شهید در زمینه حفظ میراث فرهنگی

محمدکاظم رحمتی، استاد دانشگاه تهران در این مراسم اظهار کرد: کتابخانه‌های شخصی برخی از علما در طول تاریخ از بین رفته است. در این میان، مجموعه آثار اهدایی حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای(ره) به کتابخانه حرم مطهر رضوی که بخشی از آن‌ها حاصل خریداری کتابخانه‌های شخصی علماست، روایتگر دغدغه رهبر شهید(ره) در زمینه حفظ میراث فرهنگی علماست. وی در ادامه، درباره نسخه خطی الحبل المتین فی احکام الدین که در این برنامه از آن رونمایی شد،

**الیه ضمیری** | کتابخانه آستان قدس رضوی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین و غنی‌ترین کتابخانه‌های جهان اسلام، در طول سده‌های متمادی همواره محل تجمیع و صیانت از میراث مکتوب شیعه و جهان اسلام بوده است. این کتابخانه ملجأ نفایس نسخه‌های خطی، آثار چاپ‌سنگی و سربی، اسناد تاریخی و منابع مرجع است که بخش قابل توجهی از آن‌ها حاصل سنت ستوده وقف و اهدای آثار از سوی علما، محققان، شخصیت‌های فرهنگی و ارادتمندان به‌ساحت قدسی حضرت ثامن الحجج(ع) است. در میان واقفان و اهداکنندگان برجسته این گنجینه، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالیه) جایگاهی ممتاز و مثال‌زدنی دارند؛ به گونه‌ای که از ایشان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین واقفان و اهداکنندگان آثار به کتابخانه این آستان مقدس یاد می‌شود. مجموعه آثار اهدایی معظم‌له که شامل طیفی گسترده از منابع مکتوب، اسناد و آثار تخصصی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و انسانی است، بر غنا و تنوع محتوایی کتابخانه افزوده و الگویی عینی از پیوند میان رهبری دینی، فرهنگ وقف و پاسداشت میراث علمی در جامعه اسلامی را به‌نمایش گذاشته است.

رونمایی از نسخه خطی «الحبل المتین فی احکام الدین» تنها بهانه‌ای است برای بازخوانی یک کارنامه درخشان فرهنگی؛ کارنامه‌ای که در آن حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای(ره) با اهدای هزاران اثر نفیس، نام خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین واقف کتابخانه رضوی تثبیت کردند. در این گزارش، ضمن بررسی این اثر فقهی ارزشمند، به نقش کلیدی این هدایای ماندگار در صیانت از تمدن اسلامی و تقویت بنیه پژوهشی این آستان نورانی پرداخته‌ایم.

#### ■رونمایی از نسخه الحبل المتین فی احکام الدین

در دوپست و هشتاد و پنجمین برنامه سه‌شنبه‌های علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی، از نسخه خطی «الحبل المتین فی احکام الدین» اهدایی رهبر شهید(ره) به کتابخانه رضوی، رونمایی شد. این برنامه